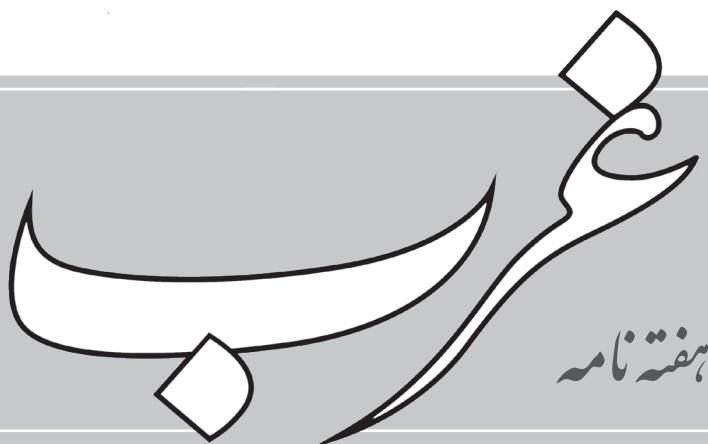




هشدار مهدی حاتمی به کارشکنی های برخی از نمایندگان مجلس: مهندسی کردن انتخابات مجلس در ورزش ممنوع است

۱۱



دکتر ابراهیم رحیمی زنگنه:

توسعه کرمانشاه گرفتار مگا پروژه های غیرکارشناسی



۳

مهدی فتاحیان، فعال سیاسی اصلاح طلب:

## هیچ کدام از کاندیداهای تایید شده در کرمانشاه، اصلاح طلب نیستند

اصلاح طلبان و اصولگرایان میانه روی علیه پایداری ها، ائتلاف کنند

صفحه ۲

دکتر «محمد علی سلطانی» نویسنده ی دایره المعارف کرمانشاهان:

## کرمانشاه عاری از همه ویژگی های شایسته خود است

صفحه ۷

گرمی زمستان و سردی انتخابات ...

صفحه ۳

فرماندار کرمانشاه:

## همگان وظیفه دارند افرادی راروانه مجلس کنند که انقلابی تر از مجلس یازدهم باشند

صفحه ۲

آگهی مناقصه عمومی واگذاری انجام عملیات خدمات شهری شهر هر سین

صفحه ۴

کلیم ... توحیدی «پژوهشگر تاریخ»:

## این پهلوانی ها فقط از کردها بر می آید

صفحه ۹

تیراستانداری به سنگ خورد

## شورای شهر کرمانشاه منحل نشد

صفحه ۲

معاون توسعه دانشگاه در دیدار با اعضای سازمان نظام پرستاری کرمانشاه خبر داد:

## به زودی چند ماه از معوقات تعرفه پرستاری پرداخت می گردد



خوبی در این حوزه رخ دهد. معاون توسعه مدیریت و منابع دانشگاه در ادامه گفت: با توجه به فصل تصویب لایحه بودجه، رایزنی با نمایندگان مجلس در جهت پیگیری مطالبات پرستاری، می تواند تاثیرگذار و راهگشا باشد. وی در پایان گفت: پرداخت مطالبات بخش عملیاتی و درمانی از اولویت های مهم دانشگاه است و تمام تلاش خود را در این زمینه به کار بسته ایم، ولی باز هم جای کار بسیار دارد.

مهندس صادق کریمی معاون توسعه مدیریت و منابع به همراه مدیر بودجه دانشگاه، میهمان ویژه اعضای سازمان نظام پرستاری استان بود و با آنان دیدار و گفتگو کرد. مهندس کریمی معاون توسعه مدیریت و منابع دانشگاه در این نشست مطرح کرد: با توجه به پرداخت بخشی از مطالبات دانشگاه توسط اداره کل بیمه سلامت، به زودی چند ماه از معوقات تعرفه پرستاری پرداخت و به حساب آنان واریز می شود. وی تصریح کرد: انتخاب شما همکاران عزیز را به عنوان اعضای جدید سازمان نظام پرستاری کرمانشاه تبریک می گویم و خوشحالم که در جمع شما هستم. مهندس کریمی با بیان اینکه به واقع وظیفه بسیار سنگینی بر دوش شما نهاده شده و کار کردن در این شرایط سخت، خیلی دشوار است، افزود: پرستاری یکی از سخت ترین و پرکارترین مشاغل دنیاست و مطالبه گری و پیگیری خواسته های پرستاران از وظایف اصلی شماست که امیدوارم با حضور شما دوستان، اتفاقات





## پس از سلام

## بمب اتمی حق مسلم ماست!



حسنعلی مهدوی چشمه گچی

یکی دوستان گرامی اصولگرایی ما که نقش هنری کیسینجر مرحوم را برای نواصولگرایان کرمانشاه دارد و انشالله خداوند به ایشان هم مانند کیسینجر ۱۰۰ سال عمر بابرکت عطا نماید هفته گذشتی در صفحه اینستاگرام خود استوری کرده بود که چرا ما (کشور ایران) نباید بمب اتم داشته باشیم؟ و اگر بمب اتم داشتیم دشمنان این همه برای ما شاخ و شانه نمی کشیدند! ایضا داشتن بمب اتمی باید به یک مطالبه عمومی تبدیل شود! البته خدا رحم کرد این استوری را امثال جوایبدن و نتانیاهو ندیدند، البته شاید بعدا یکی از مزدوران داخلی آنها این استوری را برای این دو بزرگوار فروراند کند ولی خدا را شکر فعلا آقایان کودک کش آنقدر درگیر غزه و یمن هستند استوری دوست کرمانشاهی ما را ندیده اند و اگر کله شستی مثل بنیامین آن را ببینند دیگر بیانه لازم دستش می افتد که ای عمو رافائل گروسی (مدیرکل آژانس اتمی) دیدی بهت گفتم ایران می خواهد بمب اتمی درست کند و تو هی تکذیب می کردی، حالا خبر ببار و باقالی بار کن!

آنوقت شما بیا و صد قسم به موسی و هارون و یوش و عیسی برای آقایان بخور که این جوان اصولگرا سر خودش و بدون هماهنگی شورای عالی امنیت ملی کشور این استوری را گذاشته و رهبری معظم نظام نیز چند سال پیش شخصا و بصورت شفاف فرمودند که ساخت بمب اتمی را حرام می دانیم به خرج این دو بزرگوار نمی رود که نمی رود. البته خدا را شکر که یک دوست اصولگرا این مطلب را در مورد لزوم داشتن و ساختن بمب اتم نوشته و اگر ما اصلاح طلبان می نوشتیم فوراً به جرم عبور از خط قرمزهای نظام و عدم تبعیت از ولایت فقیه (که فرموده اند ساختن بمب اتمی حرام است) ما را به تلافی می کشیدند و چوب از آستین جدو آبادمان رد می کردند، باز هم خدا را شکر که بمب اتم نداریم و اگر می داشتیم احتمالاً امثال دوستان ارزشی از روی آتش به اختیاری دکمه را یک ذره فشار می دادند و کار از کار می گذشت و جنگ جهانی سوم آغاز می شد.

دوستانی که روزگاری می خواستند ایران را "واین اسلامی کنند اکنون در حال تبدیل ایران به "کره شمالی اسلامی هستند یعنی فقط بمب اتم داشته باشیم و اگر نان هم نبود بقول ماری آنتوانت آخرین ملکه فرانسه بجای نان بیسکویت بخوریم. با بقول برادر سردار دکتر حاج محسن رضایی گوشت ماهی را جایگزین گوشت قرمز می سازیم و اگر اینها هم نبود به فرموده حضرت آیت الله جنتی اشکنه می خوریم اما خوشحالیم که اگر آبادی های جلالوند و عثمانوند ما آب آشامیدنی ندارند، اگر طبقه آسیب پذیر ما چند ماه یکبار نمی تواند ۲۵۰ گرم گوشت بخرد، اگر کارگر ما توان خرید چند قلم دارو ندارد و... در عوض آن ما بمب اتم داریم. اگر زیاله جمع کن ها هر روز بیشتر می شوند اگر هشت هزار نفر پشت نوبتی برای حمایت بهزیستی و چند دهه هزار نفر پشت نوبتی کمیته امداد داریم خیلی مهم نیست چون کشور ما به باشگاه کشورهای دارای بمب اتم پیوسته است.

تقاضای من از دوستانی مثل ایشان این است که تو را جدتات قسم می دهم بگذارد و اجازه بدهید این مردم بدبخت فقط غم نان و معیشت داشته باشند و آنها را درگیر جنگ و موشک پرانی نکنید، هشت سال جنگ و ۱۲۰۰ بار بمباران و موشکباران کرمانشاه برای ما کافی است. ممکن است با خواندن این سطور بفهمانید که اصلاح طلبان ترسو هستند و از جنگ هراس دارند، آری عزیزم ما ترسو هستیم، برای تجزیه ایران و نابودی آن و بیچاره شدن مردم خیلی خیلی هم می ترسیم چون می دانیم در جنگ محرومان و فرودستان جامعه ضربه می خوردند و آنانی که سیستمی نوه خود را از ترکیه تهیه می کنند و برای عمل پروستات به لندن می روند و بچه های شان در کالج های اروپا و آمریکا درس می خوانند و تعطیلات تابستانی را در ونکوور کانادا سپری می کنند و گرین کارت آمریکا و ویزای شینگن در جیب دارند جنگ برای آنها نعمت هم هست.

## عکس و مکتب

## از رقابت تارفاقت



دکتر ابراهیم رحیمی زنگنه و سیدقاسم جاسمی دو کاندیدای شاخص حوزه انتخابیه شهرستان کرمانشاه

## مهدی فتاحیان، فعال سیاسی اصلاح طلب:

# هیچ کدام از کاندیداهای تایید شده در کرمانشاه، اصلاح طلب نیستند

## اصلاح طلبان و اصولگرایان میانه روی علیه پایداری ها، ائتلاف کنند

## سپهر نامدار

«مهدی فتاحیان» فعال سیاسی اصلاح طلب و رسانه‌ای، در گفت و گو با «غرب» درباره انتخابات پیش روی مجلس و وضعیت تایید و رد صلاحیت چهره‌های اصلاح طلب، نکات جالبی را مطرح می کند؛ البته صحبت های وی درباره وضعیت نامزدهای اصلاح طلب در کرمانشاه و رد صلاحیت گسترده آن ها، خواندنی است.

**آقای فتاحیان، تشکر از اینکه وقت خودتان را در اختیار ما قرار گذاشتید. اگر ما یل باشیم، در ابتدا درباره اهمیت انتخابات پیش رو صحبت کنید؟**

به اعتقاد بنده انتخابات مهمترین رویدادی است که در کشور ما هر ۴ سال یکبار روی می دهد، لذا این فرصت را مردم باید مغتنم بشمارند و از فرصت به وجود آمده برای تغییر در سیستم مدیریت کشور استفاده کنند. با عنایت به اینکه هیچ فرد منصفی نیست که وضعیت موجود را تایید کند لذا برای رهایی از وضعیت موجود باید خودمان به فکر تغییر این شرایط باشیم. من این شرایط را تاحدی شبیه به ایام منتهی به دوم خرداد ۱۳۷۶ می بینم، در آن زمان یاس و ناامیدی بر مردم حاکم شده بود و فکر می کردند اگر به هر کسی رای بدهند رای آنها خوانده نخواهد شد تا جایی که گفته می شد بنویس خاتمی، خوانده می شود ناطق نوری!

غرض از ذکر این موضوع رسیدن به این بحث بود که عرض کنم شباهت اکنون با انتخابات سال ۱۳۷۶ و انتخابات مجلس ششم که همه می دانیم بهترین مجلس ادوار تاریخ پس از انقلاب بوده خیلی زیاد است و حضور حداکثری مردم موجب شد که حرف و نظر مردم حاکم شود و یقیناً دوران اصلاحات و ریاست جمهوری آقای خاتمی یکی از ماندگارترین و کارآمدترین دوران پس از انقلاب است.

**به نظر شما، رویکرد مردم به خصوص جوانان در انتخابات چگونه خواهد بود؟**

امروز ما شاهد تغییر نسل هستیم، نسلی مطالبه گر که موضوعات را نه تبعیدی و تقلیدی بلکه عقلی می پذیرد. این نسل نسبت به موضوع انتخابات و سردی فضای حاکم بر آن هنور هیچ واکنش مثبتی نشان نداده است. مسئولین ذیربط نه صدای آنها را شنیده اند و نه می خواهند بشنوند.

اکنون جامعه رفته رفته در حال تغییر است، نسل اول انقلاب به شدت فرسوده و فرتوت شده است، نسل دو و سوم انقلاب عملاً زیر سایه نسل اول به فنا رفت و اجازه تغییر و تحول و حضور در مناصب قدرت به آنها داده نشد، اما نسل چهارم انقلاب کاملاً دو نسل قبل از خود متفاوت هستند و نگاه آنها به موضوعات عقلی است. چه بخواهیم و چه نخواهیم این نسل کشور را مدیریت خواهد کرد پس بهتر است برای نخبگان آنها امیدواری و زمینه حضور در قدرت را فراهم کنیم.

**البته کارشناسان سیاسی، بحث عدم صلاحیت برخی از کاندیدها، به خصوص چهره های نزدیک به جریان اصلاحات، را یک اتفاق خطرناک توصیف کرده که شاید باعث استقبال کم مردم از انتخابات شود. شما در این خصوص چه نظری دارید؟**

مسئله با اهمیتی که باید به آن پرداخته شود بحث تایید صلاحیت ها و حضور نامزدهایی با سلاقت مختلف سیاسی است. در خصوص تایید صلاحیت نامزدهای انتخاباتی در فضای عمومی استان و کشور شنیده می شود که افراد مورد نظر اقشار مختلف جامعه تایید صلاحیت نشده اند. یعنی سلاقت مختلف در کشور نادیده گرفته می شوند و این مطالبه بر حقی است که متأسفانه هنوز بدان پاسخ درخوری داده نشده است. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب بارها به موضوع تایید صلاحیت ها اشاره نموده و مشارکت حداکثری را مطالبه کرده اند اما هنوز نمودی از انجام فرامین ایشان توسط نهادها و مسئولین ذیربط دیده نمی شود.

بدتر اینکه هنوز هیچ نرمشی از سوی مسئولین ذیربط برای تایید شخصیت های شناخته شده و طراز اول با افکار و اندیشه های مختلف نمی بینیم. حتی اصلاح طلبانی با رزومه مشخص و کارآمدی ثابت شده از سوی هیات نظارت رد صلاحیت شده اند. زمانی که نمی توان اصلاح طلبان شناخته شده را در این سیستم تحمل کرد، چگونه می توان انتظار داشت که مردم احساس کنند که واقعا تصمیم گیرنده نهایی در انتخابات هستند؟ اینکه از جریان سیاسی خاصی افراد خاص و شناخته شده را تایید کنند و اصلاح طلبان شناخته شده و دارای پایگاه مردمی را رد صلاحیت می کنند، این فکر را به ذهن متبادر می کند که هسته سخت قدرت به دنبال مهندسی کردن انتخابات است و شوریختانه این فکر در جامعه در حال گسترش است. لذا اهمیت دارد که تصمیم گیران و تصمیم سازان نظام به حساسیت این موضوع پی ببرند و تا دیر نشده به فکر اصلاح وضعیت باشند.

**آیا در کرمانشاه صلاحیت چهره های اصلاح طلب نیز تایید نشده است؟**



در خصوص وضعیت استان و تایید برخی از شخصیت های به عنوان نامزد انتخاباتی، هر چند بنده با برخی از این بزرگواران آشنایی دارم و می دانم افرادی دلسوز و با تجربه و مردم دوستی هستند اما به غیر از یک نفر هیچکدام شان اصلاح طلب نمی باشند، هر چند برخی آنها در دولت اصلاح طلب هم دارای سمت و مدیریت هم بوده اند.

حداقل انتظار از این عزیزان این است که برای یکبار هم شده اصلاح طلب بودن شان را به زبان جاری کنند. پس شخصیت های تایید صلاحیت شده که همگی قابل احترام هم هستند را نمی توان اصلاح طلب نامید و در زمان حضور در مجلس نیز ممکن است که رای غیر اصلاح طلبانه بدهند، به عنوان مثال فراکسیون اصلاح طلبان دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، که آقای عارف نتوانست بر اساس حمایت آنها به ریاست مجلس برسد.

البته لازم به توضیح است که یکی از موضوعاتی که بارها در محافل سیاسی اصلاح طلبی نسبت به آن اعتراض شده است موضوع پیش ثبت نامها بود. با عنایت به اینکه این موضوع زمانی صورت گرفت که هنوز اصلاح طلبان به جمع بندی برای معرفی شخصیت های خود برای حضور در انتخابات نرسیده بودند و در زمان اندکی باید تصمیم می گرفتند و این مهم امکان پذیر نبود، لذا موجب شد بسیاری از اصلاح طلبان قید ثبت نام را بزنند و عملاً دست شان برای انتخابات افراد مورد نظر بسته شد.

**با توجه به این موضوع، تدبیر اصلاح طلبان چگونه خواهد بود؟**  
در این شرایط که شخصیت های اصلاح طلب شناخته شده در میدان رقابت انتخاباتی نیستند و هیچ زمینی برای بازی اصلاح طلبان تعریف نشده است پس انتظاری هم نمی توان داشت که اصلاح طلبان در میدان رقابت حضور داشته باشند. با عنایت به تعداد بسیار اندک اصلاح طلبان تایید صلاحیت شده برای شرکت در انتخابات به فرض مثال هم اگر همگی آنها هم رای بیاورند هیچ تاثیری بر روند تصمیم گیری در مجلس نخواهد داشت.

**اکنون این سؤال را از برادران اصولگرایی خودمان می پرسیم اگر واقعا این ششرا یط نایر این برای جریان اصولگرایی تعریف می شد و شما را الزام به حضور در انتخابات می کردند چه جوابی داشتید؟ آیا حاضر بودید برای گرم کردن نتور انتخاباتی که شما هیچ سهمی در آن ندارید حضور پر رنگ داشته باشید؟!**

در پایان باید به اهمیت یک موضع اشاره کنم که نباید از آن غافل شد و آن اینکه امروزه دولت و مجلس و دستان جریان افراطی پایداری افتاده است. متأسفانه بدخیم ترین جریان سیاسی که می توانست بر کشور حاکم شود، اکنون حاکم شده است و شک نداشته باشید که اگر این جریان را از صحنه سیاسی کشور حذف نکنیم مانند غده سرطانی که نهایتاً تمام کالبد را در بر می گیرد باعث نابودی کشور خواهد شد. این جریان به جز منافع فردی و گروهی خود به هیچ چیز فکر نمی کند و دست بردار هم نیست لذا امروز شاید بیش از هر زمان دیگری باید دو جریان معتدل و میانه روی سیاسی کشور به دنبال بیرون راندن این جریان سیاسی خطرناک در کشور باشند. من معتقدم که باید برای این مهم بین اصلاح طلبان و اصولگرایان میانه روی نوعی ائتلاف بی سابقه صورت بگیرد.

اینجا فقط بحث سیاسی و جریان فی مابین نیست، اینجا بحث حیات کشور و نظام است. لذا اصرار من برای حضور در انتخابات که بارها از سوی برخی از دوستان مورد انتقاد هم قرار گرفته ام به منظور بیرون راندن این جریان سیاسی خطرناک از ساحت سیاسی کشور است.

## تیر استانداری به سنگ خورد

# شورای شهر کرمانشاه منحل نشد



به گزارش منابع خبری باختر، جلسه کمیسیون شهری و شوراهای وزارت کشور که دیروز دوشنبه با دستور کار انحلال شورای شهر کرمانشاه قرار بود برگزار شود به دلیل برخی مخالفت ها به نتیجه نرسید.

گفته می شود معاونت سیاسی و معاونت امنیتی وزارت کشور این اقدام را در آستانه انتخابات مجلس نیازمند بررسی های بیشتر برای پیش بینی پیامدهای سیاسی، اجتماعی و امنیتی دانسته و فعلاً خواستار توقف این تصمیم شده اند.

به گزارش منابع خبری مطلع احتمال انحلال شورای شهر کرمانشاه بسیار جدی است و هنوز از دستور کار خارج نشده است.

## سیری در انتخابات مجلس کرمانشاه در پس از انقلاب

## ابطال انتخابات اولین دوره شهرستان کرمانشاه

انتخابات مجلس شورای اسلامی	
۱- آقای اقبال آل آقا - احمد	۱۱- آقای جباری - اسماعیل
۲- آقای اقبال آل آقا - مهدی	۱۲- آقای مهدی ابراهیم - عبدالمعالی
۳- آقای حبیب پارسداس - کریم	۱۳- آقای سوری - وحید
۴- آقای جبار - کریم	۱۴- آقای طراد - حسین
۵- آقای بهمن - محسن	۱۵- آقای فرهاد - کورن
۶- آقای باهر - جعفر	۱۶- آقای رفیعی - حسن
۷- آقای حاج آقا - سعید	۱۷- آقای ناسی - حاج مهدی
۸- آقای حسن زانی - سعید	۱۸- آقای کزازی - جعفر
۹- آقای رحمان - امیر	۱۹- آقای باهری - سرفراز
۱۰- آقای سلیم - سعید	۲۰- آقای یوسفی نوری - سید
۱۱- آقای سیدزاده - سعید	۲۱- آقای یوسفی - سعید
۱۲- آقای سوری - حسین	۲۲- آقای سرفراز - سعید
۱۳- آقای سیدزاده - سعید	۲۳- آقای سرفراز - سعید
۱۴- آقای سیدزاده - سعید	۲۴- آقای سرفراز - سعید
۱۵- آقای سیدزاده - سعید	۲۵- آقای سرفراز - سعید
۱۶- آقای سیدزاده - سعید	۲۶- آقای سرفراز - سعید

اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه شهرستان کرمانشاه نیمه اول اسفندماه ۱۳۵۸ برگزار شد و کاندیدهای ذیل با هم به رقابت پرداختند:

- ۱- ابراهیم اقبال آل آقا
- ۲- مهدی اقبال آل آقا
- ۳- کریم بختیار سنجابی
- ۴- سیدمحمد بصام
- ۵- مصطفی پروینی
- ۶- جعفر جاویدفر
- ۷- مجتبی حاج آخوند
- ۸- سیدمحمد علی حسن زمانی
- ۹- خانم افسر جریانی
- ۱۰- محمدحسین سلیمی
- ۱۱- سیدجلیل سیدزاده
- ۱۲- مجتبی شمس پور
- ۱۳- علی صاحبی باری
- ۱۴- اسماعیل ططری
- ۱۵- عبدالخالق عبداللهی اصفهانی
- ۱۶- خلیل عسگری
- ۱۷- حسین علیزاده
- ۱۸- کیومرث فرجاد
- ۱۹- محسن فرشید
- ۲۰- مهدی قاسمی
- ۲۱- جعفر کارزانی
- ۲۲- نصرالله مظهری
- ۲۳- سیدرضا موسوی
- ۲۴- سیدمنصور موسوی
- ۲۵- محمدحسن نصرالله پور
- ۲۶- عبدالحمید نوگمان ایرانی

در این انتخابات دو نفر از کاندیدها یعنی آقایان محسن فرشید و نصرالله مظهری که از مجاهدین خلق (منافقین) بوده و همچنین دکتر کریم سنجابی از سران جبهه ملی توانستند اکثریت آرا را به خود اختصاص دادند. نتیجه انتخابات موجب خشم گروههای مذهبی کرمانشاه و روحانیون را فراهم آورد و یک راهپیمایی بزرگ برای ابطال انتخابات برگزار شد و در نتیجه این انتخابات باطل شد و به میاندوره ای کشیده شد که در شماره آینده در مورد آن توضیح می دهیم.

## اتاق شیشه ای

## فرماندار کرمانشاه:

## همگان وظیفه دارند افرادی را روانه مجلس کنند که انقلابی تر از مجلس یازدهم باشند

محمدرضا آمویی روز یکشنبه در جلسه شورای ورزش و ستاد ساماندهی امور جوانان شهرستان کرمانشاه با بیان اهمیت مشارکت بیشتر اقشار مختلف مردم در انتخابات اظهار کرد: انتخابات این دوره مجلس شورای اسلامی از حساسیت های ویژه ای برخوردار است و همگان وظیفه دارند افرادی را روانه مجلس کنند که انقلابی تر از مجلس یازدهم باشند.

## انتقاد امام جمعه پاه از مسوولین

## بی تجربه و غیر متبحر

حاج ماموستا ملاقدر قادری در خطبه های این هفته نماز جمعه افزود: مسئولان باید زمینه زندگی بهتر را برای ملت خود فراهم کنند اگر مسئولان ما در مدیریت متبحر و آشنا نباشند، مانند امروز می شود که قیمت پیاز و سیب زمینی و... هرروز زیادتر می شود و کسی صاحب نیست.











# گره بان و آیین یارسان!

## محسن رستمی

در مقدمه مطلب لازم است که توضیح داده شود که آیین یارسان، خود دارای اصول و اعتقادات خاصی است که از گذشته‌های دور در میان آیین به وجود آمده که هسته اصلی و اعتقادی آنان را تشکیل می‌دهد که برای شناخت واقعی آنان باید منابع و کتب لازم و موجود در مورد آنان را مطالعه قرار داد تا شناخت اصولی و کافی از آثار به وجود آید.

سرزمین ایران از گذشته‌های دور تاکنون، مامن و خواستگاه بسیاری از آیین‌ها و مسلک‌های گوناگون است که خود نشان‌دهنده باور و اعتقاد توحیدی مردمان این سرزمین اهورایی است که همواره در کنار هم به صلح، آرامش و احترام به اعتقادات یکدیگر زیستی مشترک را پدید آورده‌اند.

بنده حقیر در این نوشتار به هیچ عنوان به دنبال پردازش و بررسی آیین یارسان نیستم، بلکه فقط به صورت مختصر اشاره‌ای کوتاه و گذرا به زیست فکری آنان دارم، چون پرداختن به این آیین، زمان و حوصله بیشتری را می‌طلبد که در این فضا و مقال مجال آن نیست، لازم به ذکر است که خاندان «آتش‌بیگی» در میان دیگر خاندان‌های پارسانی، نزدیک‌ترین آیین به شیعه است که اقتراف و اختلاف کمتری با شیعه در میان آنان وجود دارد.

در یک روز گرم تابستان با همراه دوستان عازم روستای گره‌بان در اطراف هرسین شدیم، از قرار معلوم رفتن به این منطقه نیاز به هماهنگی‌های اولیه دارد، البته در گذشته ورود و بازدید از این ناحیه برای عموم مردم کاملاً بدون منع و آزاد بود و در مقطعی با توجه به کمبودها و امکانات در جهت خدمات به مهمانان ساخت‌وسازهایی در این ناحیه صورت گرفت که با شروع این فعالیت‌های عمرانی، دسترسی و رفت‌وآمد از گره‌بان محدود و به نوعی تعطیل گردید که همزمانی شروع کرونا و گسترش آن در پهنای کشور به صورت مطلق هرگونه بازدید و سفر به این منطقه را تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق و تعطیلی کامل کشاند و با ضعیف شدن بیماری کرونا و عبور از آن وضعیت وحشتناک و تا حدودی عادی شدن زندگی بعد از آن همه ترس و استرس احتمال دارد در آینده وضعیت تغییر کند و رفتن به گره‌بان دوباره به حالت سابق در آید. به هر حال برای رفتن به این ناحیه و شوق دیدار از منطقه و دیدار نزدیک ما را به تکاپو انداخت تا فرصتی پیش آید و مسافرتی به گره‌بان داشته باشیم و برای اذن ورود و موافقت متولیان این روستا با دوستان بزرگوار اهل هرسین تماس گرفتیم و از آنجا که ایشان ارتباط و مراوداتی با دست‌اندرکاران گره‌بان داشتند، خوشبختانه بعد از رازبازی و جلب نظر متولیان امر، اطلاع دادند که منعی برای رفتن به آنجا وجود ندارد.

همان‌طور که می‌دانیم منطقه گره‌بان در ناحیه‌ای کوهستانی واقع شده و طبیعتی بسیار دلنشین و زیبا

و به دور از هیاهوهای معمول زندگی شهرنشینی دارد، ساختمان‌های بسیار زیبا با معمار منتخب به فرد از چشم‌اندازهای دیدنی این روستا می‌باشد، که برای هر بیننده‌ای که پا در منطقه می‌گذارد بسیار جلوه‌گر و تماشایی می‌باشد که چنین بناهایی با این استواری و عظمت ساخته شده است، این ناحیه منتسب به خاندان «آتش‌بیگی» یا «مشعشعی» می‌باشد که قطب و مراد آنان جناب سید «نظام‌الدین مشعشعی» می‌باشد. خاندان «آتش‌بیگی» از خانواده‌های یازده‌گانه «یارسان» و یا «اهل حق» می‌باشد که مرکز و ثقل این مسلک و مردمان در مجموع غرب کشور می‌باشد، که تجمع آنها بیشتر در ناحیه کرمانشاه است و آن طوی که

## خاندان «آتش‌بیگی» با توجه به

### اینکه از خاندان‌هایی است که

### در گروه یازده‌گانه خاندان‌های

### یارسانی است که امروزه می‌توان

### آنان را از خاندان‌های بزرگ و

### تأثیرگذار در جامعه یارسان به

### حساب آورد که همین جایگاه و

### دست‌آورد مرهون نگاه عقلانی و

### دوراندیشانه‌ای است که بدور

### از هرگونه حاشیه‌ای، توانسته

### است زیست آرام و بدور از جنجال

### را برای آنان رقم زند و حتی در

### برهه‌ایی که اعضا و یا وابستگان به

### این جریان حواشی را برای خود به

### وجود آورده‌اند و به خاطر فضای

### تبلیغاتی کاذبی که شکل گرفته باز

### هم شاهد رفتارهای کاملاً عقلانی

### و حساب شده بوده‌ایم که نشان

### از درایت و واقع‌بینی حاکم بر این

### مسلک مرامی است

از شواهد بر می‌آید خاندان «آتش‌بیگی» از خاندان‌های تأثیرگذار پارسانی می‌باشند و در نواحی مختلف کشور و حتی کشورهای پیرامونی نیز از باورمندان به آیین یارسان وجود دارد و البته به فرار معلوم در گذشته‌های نه‌چندان دور در ناحیه لرستان می‌توان نشانه‌های قوی از وجود آیین یارسان را مشاهده کرد از جمله چهره‌های معروف پارسانی می‌توان به «مبارک شاه» و یا همان «شاه خوشین لرستانی»، «کاکارها» و «بابا بزرگ» اشاره کرد و با وجود کلمه پیر بر بسیاری از مناطق از جمله، «پیرماهی»، «پیرجد»، «گل‌هو» و... نام برد که دلالت تاریخی هست بر خاستگاه و جایگاه آیین یارسان در لرستان در گذشته که احتمالاً در زمان چیرگی صفویان و اعلام رسمی شیعه به عنوان دین رسمی باعث فاصله از بنیان‌های این آیین در میان مردم آن عصر شده باشد، از جمله باورها و اعتقادات پارسانی‌ها به چهار اصل یعنی «راستی»، «پاکی»، «نیستی» و «دا» می‌باشد که هر فرد اهل حق باید در طول زندگی خویش به این اصل معتقد باشد و آنها را به کار گیرد.

از جمله ویژگی برجسته این آیین دمخور بودن به تنبور می‌باشد که در بسیاری از مراسمات و جشن‌های منتسب به آنان از این ابزار و آلت موسیقی استفاده می‌شود و جز جدایی‌ناپذیری از زندگی آنان را تشکیل می‌دهد که حالت و صفای خاصی را برای مراسمات آنان به وجود می‌آورد، که کشش و جذابیت رازآلود در آن وجود دارد که با آوازهای آیینی همراه می‌گردد و بسیار زیبا و دل‌نشین می‌باشد، اساساً وابستگان به این آیین از دو حال خارج نیستند چکیده و چسبیده...

چکیده بیشتر شامل افرادی می‌باشد که به لحاظ وارثی و خونی پارسانی هستند که نسل به نسل جز باورمندان به این مسلک می‌باشند، و چسبیده هم بیشتر شامل کسانی هستند که از علاقمندان به این آیین هستند و از وابستگان به خانواده‌های چند گانه پارسانی نیستند بلکه بر حسب علاقه به این آیین باورمند شده‌اند و

برای همیشه جز این آیین به حساب می‌آیند، آن چه که مشخص است نزدیکی آیین یارسان به صوفی‌گری و درویشی بسیار نزدیک و ناگسسته‌ای است و جوهره وجودی اعتقادات آنان بر گرفته از آموزه‌های عرفانی است که از گذشته‌های بسیار دور تا کنون ادامه داشته است، البته آنچه که در مورد یارسان‌ها باید گفته شود، بن‌مایه درونی‌شان همانا بیشتر بر تهذیب نفس و توجه ویژه به مقوله اخلاق در نزد آنان است که اهمیت مضاعف و فراوانی در نزد آنان دارد، که در رفتارهای فردی‌شان کاملاً مشهود و بارز است که یک فرد پارسانی باید از اخلاق خود، مراقبت نماید.

آنچه که در مورد این آیین در عرصه اجتماع از گذشته‌های دور وجود داشته ارتباطات اجتماعی آنان بوده به‌هر حال از طرف قدرت‌های مستقر در طول تاریخ چون مورد تعدی و بعضاً آزار و اذیت وجود داشته خیلی در تبلیغ، نشر افکار و اعتقادات خویش آزاد نبوده و به همین جهت برای بقا و استمرار آیین خویش ترجیح داده‌اند که هرگز تبلیغات آزادانه و دامنه‌داری در عرصه جامعه و مردم نداشته‌اند که حساسیت‌ها و اقدامات ایدئالی بر علیه خود را تحریک نمایند که همین روش در جهت بقا و موجودیت آنان تأثیر بسزایی داشته است که در کلیت آن به لحاظ دوام و پایداری این استراتژی به طور اصولی نزدیک به صواب بوده است، آن هم در آن جامعه‌ای که در طول ادوار تاریخی گذشته همواره دستخوش تغییرات سریع و متکی به معادلات قدرت بوده و نامنی وجه بارز آن بوده نقش مهمی در جهت انسجام و یکپارچگی آیین یارسان داشته است به تبع آن خاندان «آتش‌بیگی» با توجه به اینکه از خاندان‌هایی است که در گروه یازده‌گانه خاندان‌های پارسانی است که امروزه می‌توان آنان را از خاندان‌های بزرگ و تأثیرگذار در جامعه یارسان به حساب آورد که همین جایگاه و دست‌آورد مرهون نگاه عقلانی و دوراندیشانه‌ای است که بدور از هر گونه حاشیه‌ای، توانسته است زیست آرام و



بدور از جنجال را برای آنان رقم زند و حتی در برهه‌ایی که اعضا و یا وابستگان به این جریان حواشی را برای خود به وجود آورده‌اند و به خاطر فضای تبلیغاتی کاذبی که شکل گرفته باز هم شاهد رفتارهای کاملاً عقلانی و حساب شده بوده‌ایم که نشان از درایت و واقع‌بینی حاکم بر این مسلک مرامی است و یا در مقاطعی هم برای قدرشناسی از کسانی که در مواقع فشار و یا سختی در کنار دروایش و در دفاع از حقوق آنان قرار داشته که کنش اجتماعی ظرفیت و پتانسیل هم وجود داشته که کنش اجتماعی و سیاسی خود را به صورت کاملاً علنی و حساب شده در سپهر جامعه انجام دهند که در نوبه خود بی‌سابقه و منحصر به فرد بوده است، به‌هر حال دیدار ما از روستای گره‌بان بسیار کوتاه و در زمان اندکی صورت گرفت، ولی باز در این بازه زمانی کوتاه فرصتی دست داد که با فضای عمومی و حاک در آن جا بیشتر آشنا شویم و همین خود تجربه بسیار باارزش و گرانسنگی بود که در طول این سفر کوتاه به دست آمد تاریخ آیین یارسان دارای افت و خیرهای فراوانی در ادوار تاریخی بوده که توانسته‌اند با سخت‌گوشی و دفاع از موارث ارزشمند اعتقادی خود مرام و مسلک خویش را با وجود همه مرات‌ها و سختی‌ها حفظ نمایند و سنن و آداب خود را نسل به نسل و سینه به سینه انتقال دهند و وجود همین آیین‌ها و مسلک‌های مختلف در هر گوشه از کشور خود نشان و گواه روشنی است از فرهنگ غنا و والایی که در طول تاریخ در این سرزمین حاکم بوده است، که می‌توان نشانه‌های رواداری و احترام به عقاید و آیین‌های دیگر را در بدست‌گیری جامع به وضوح هر چه تمام‌تر دید که همین امر باعث پیوند و یکپارچگی و اتحاد سرزمینی را در بلندمدت می‌تواند به همراه داشته باشد و آرزوی قلبی هر ایرانی قطعاً در گستره سرزمینی آن اتحاد، صلح، آرامش و احترام به عقاید یکدیگر می‌باشد که بزرگ‌ترین اهرم و عامل در جهت هم‌افزایی و بالندگی فرهنگی در عرصه آیین‌ها و مسلک‌ها گوناگون می‌باشد.

## دولتی که کمترین ارزش و بهایی به کارگر و بازنشسته نمی‌دهد...



"کیومرث کله‌جویی"

از ما درک مفاهیم نداریم. ریشه این مشکلات و معضلات به نحوه نگرش تاریخی و فرهنگی ما باز می‌گردد و در بسیاری جاها هر چه می‌خوریم از بی‌اطلاعی و بی‌تفاوتی‌های خودمان خوردیم و خواهیم خورد. دستکم اجازه بدهیم باب سخن در این زمینه بگشاییم و در این خصوص بحث و جدلی داشته باشیم تا از سر بی‌اطلاعی به جاده انحراف پیش از این نرویم.

براستی مشکلات ما بازنشستگان در این برهه زمانی در نرسیدن به حق و حقوقمان چیست؟ نقاط ضعف و قوت‌مان در اعتراض به این همه ظلم و اجحاف کجاست؟ این‌ها چیزهایی است که از آن‌ها غافل مانده‌ایم و ضروری است به آن‌ها بپردازیم. بر کسی پوشیده نیست در هر جامعه‌ای چنانچه رفتگران آن شهر و یا کشور دست از کار بکشند خیلی زود آشغال در سطح شهر انباشته شده و دولت ناچار به واکنش شده و مجبور است فکری برای آن بکند و با متعرضان وارد گفتگو شود. رانندگان اگر اعتصاب کنند امر مهم حمل‌ونقل دچار ایستایی خواهد شد و جامعه را فلج خواهد کرد.



PHOTO Nasiri

بر کسی پوشیده نیست برای رسیدن به کم‌ترین حق و حقوق انسانی و قانونی هر ملتی اتحاد و همدلی شرط مهم و ضروری است و در این شرایط نه تنها بازنشستگان باید متحد و یک دل باشند بلکه سایر اقشار مظلوم و ستمدیده جامعه نیز بایستی با هم متحد و یک دل شوند. در غیر این صورت همه ما تاوان ترس و پراکندگی و بی‌تفاوتی‌مان را به شکل سنگین و غیر قابل جبران پرداخت خواهیم کرد.

اما چرا این اتحاد وجود ندارد و چگونه است که صدای اعتراض بازنشستگان طی این مدت به جایی نرسیده است؟!

بی‌گمان مشکلات ما در این زمینه یکی و ده تا نیست. مشکلات خودمان را باید در جاهای دیگر جستجو کنیم، جاهایی که شاید هرگز به آنها فکر نکرده‌ایم. چرا که متأسفانه ما مردمی هستیم که معمولاً اهل فکر کردن نیستیم، همان‌طور که اهل نقد و بررسی و تحقیق در هیچ زمینه‌ای نیستیم.

باید بپذیریم ما مردمی هستیم که جایگاه و موقعیت خود را خوب نمی‌شناسیم و تشخیص نمی‌دهیم و دوست و دشمنان ما را از هم تمیز نمی‌دهیم. بسیاری

متأسفانه هیچ کدام از این امتیازات مهم را ما بازنشستگان نداریم، پس باید اعتراض خودمان را با توجه به شرایط خاص خود پیش ببریم. چکار باید کرد؟! اول اینکه ترسی را که چون خوره همه ما را آزار می‌دهد از خود دور کنیم و کمی شهامت و جسارت از خود نشان دهیم. تا بتوانیم علیه مسئولینی که از حقوق‌مان را با پامال کرده و می‌کنند به خروش در آیم و صدایمان را بلند کنیم. چند شعار بلند و با محتوا بدهیم. شکی نیست انتخاب شعارهای تند و منطقی در وهله نخست کارساز خواهد بود. تا جایی که مسئولین خیانت‌پیشه متوجه شوند بازنشستگان عصبانی هستند.

ما بازنشستگان حتی صدایمان اندازه صدای مسئولین هم بلند نیست، آخه قراره از چه چیز ما دولت بترسند؟! و حق‌مان را بدهد؟! دولتی که کمترین ارزش و بهایی به کارگر و بازنشسته نمی‌دهد، چگونه ممکن است حق او را بدهد؟!

بازنشستگان تا چنین رفتار و گفتاری داشته باشند بسیاری از خود بازنشسته‌ها ترجیح می‌دهند در خانه بمانند و خودشان را سبک نکنند. با چنان رفتار نرم و شعارهای تکراری آرام‌هرگز به جایی نخواهیم رسید. این خط و این نشان.

دولت بدترین ظلم و اجحاف‌ها را در حق کارگران و بازنشستگان روا داشته و این در حالی است که کارگران و بازنشستگان بازهم مماشات می‌کنند؟ متأسفانه.



## گزارش

کارگردان کرمانشاهی نمایش «آنتیگونه»:

## دوست دارم باز هم شعبده بازی کنم



نمایش «آنتیگونه» با طراحی و کارگردانی محمدرضا آگاه و تهیه کنندگی سجاد افشاریان که مهر و آبان ۱۴۰۲ در عمارت نوفل لوشاتو روی صحنه رفته بود، به زودی برای مدت محدودی در همان تماشاخانه میزبان مخاطبان می شود.

آگاه در گفتگویی درباره اولین دور اجرای این نمایش گفت: ما نمایش «آنتیگونه» را به مدت ۴۰ شب روی صحنه بردیم و خوشبختانه با استقبال خوب تماشاگران تئاتر روبه‌رو شد اما درست بعد از پایان اجراها بود که بسیاری از مخاطبانی که اجرا را از دست داده بودند خواستار اجرای مجدد آن شدند. بماند که به شخصه دوباره ضرورت اجرای «آنتیگونه» را در ویتترین تئاتر ایران احساس می‌کنم.

او ادامه داد: البته که به خاطر تجربیات اجراهای گذشته آن، در سری جدید (بازگشت)، تغییرات کاربردی و ملموسی را در میزانشن‌ها و طراحی‌های خود داده‌ام و امیدوارم به‌زودی مواجهه آنها را با تماشاگر شاهد باشیم.

این کارگردان جوان تئاتر تاکید کرد: همانطور که اشاره کردم، انسان با تجربیات روزمره خود زندگی را به پیش می‌برد. قطعاً به‌عنوان کارگردان «آنتیگونه» در ۴۰ شب اجرای پیشین آن تجربه‌های جالبی کسب کرده‌ام و دنبال فرصتی بودم که آنها را امتحان کنم. کسانی که من را می‌شناسند، می‌دانند که همیشه به دنبال ریسک کردن و شوکه کردن مخاطب خود هستم لذا در سری دوم هم می‌خواهم به گونه‌ای دیگر مخاطبم را درگیر اثر و یحتمل به قول بعضی از دوستان «شعبده‌بازی» کنم.

آگاه از تغییر بازیگر نقش «آنتیگونه» خبر داد و درباره این‌جا به جایی گفت: آرمیتا قبادی جایگزین مهسا جمشیدی شد. دلایل آن را مخاطبانی که قبلاً نمایش را دیده‌اند یا به زودی خواهند دید، می‌دانند. امیدوارم کسی در میان ما فراموش کار نباشد.

او در ادامه درباره بهره‌گیری از هوش مصنوعی در این اثر نمایشی توضیح داد: من هیچوقت به دنبال لقب یا عنوانی نبوده‌ام. بیشتر روزهای خود را در خانه‌ام سپری می‌کنم و مشغول نقاشی و آشپزی هستم.

آگاه ادامه داد: من به خدا و حضور او در نظم جهان اعتقاد دارم و در ابتدا همه اتفاقات و شروع این مسیر را از لطف او می‌دانم. اوست که به من انگیزه، انرژی و دلیل زندگی هدیه می‌کند. بعد از آن تلاش‌های گروه منسجم و حرفه‌ای گروه «امروز» را دلیل این استقبال با شکوه (در روزهایی که به راستی تئاتر در مهجورترین حالت خود است) می‌دانم.

این کارگردان اضافه کرد: «آنتیگونه یکی از متون مشهور و مسئله‌دار تاریخ تئاتر جهان است که قدمت آن به نخستین تراژدی‌های یونان باستان می‌رسد. خدا را شکر با مطالعاتی که پیرامون آن داشتم، توانستم اثری خلق کنم که توجه مخاطبان و هنرمندان دیگر کشورها را هم جلب کرده است.

آگاه ابراز امیدواری کرد که اجرای دوباره نمایشش با اقبال تماشاگران رو به رو شود و افزود: امیدوارم دوباره «آنتیگونه» در مسیر اجراهای مجدد خود با استقبال مخاطبان و هنردوست روبه‌رو شود. همه می‌دانیم تئاتر ساختن در ایران همراه با مشکلات متعدد و طاقت‌فرسایی است و همین انرژی‌های مثبت مردم است که باعث می‌شود ما دوباره به صحنه بازگردیم.

در دور اول اجراهای خود از کسی با چیرانی شکایت نکردم و به شخصه اهل گلایه نیستیم اما می‌خواهم یک بار برای همیشه به پیشکسوتان و دوستان به اصطلاح چهره خود بگویم که شما وظیفه دارید از نسل جدید و جوان تئاتر کشور خود حمایت کنید و به دیدن آثارشان بیایید. این موضوع یکی از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین وظایفی است که شما برعهده دارید. ما در اجراهای قبلی خود از بسیاری از این عزیزان دعوت کردیم اما تعداد

اجراهای مجدد نقطه نظرات شما گردی این کارگردان دیگر شهرها علاقه‌مند ما اجراهای اگر شرایط شهرستان

محدودی از ما حمایت کردند! امیدوارم در «آنتیگونه» کسانی را که مشتاق شنیدن آنها هستم و سال‌ها در محضر ایشان کرده‌ام، ملاقات کنم.

درباره احتمال اجرای این نمایش در توضیح داد: در حال حاضر دوستان در چند شهرستان از گروه ما برای «آنتیگونه» دعوت کرده‌اند و قطعاً مهیا شود، به سراغ اجراهای خواهیم رفت.

من خودم اهل شهرستان سنقر و کلیایی از توابع استان کرمانشاه هستم و به‌گونه‌ای خود را مدیون تئاتر شهرستان می‌دانم. چیزی که فعلاً در برنامه گروه امروز مشخص است تور اروپای آن است که به‌زودی اطلاع‌رسانی خواهد شد.

نمایش «آنتیگونه» از اول بهمن ماه ۱۴۰۲ با بازی پدram زمانی، پارسا صحرایی، سجاد میر و آرمیتا قبادی بازیگران این نمایش هستند که در عمارت نوفل لوشاتو برای بار دوم روی صحنه می‌روند.

«منیرآزادبخت» داستان نویس و هنرمند کرمانشاهی:

## هیچ‌گاه مساعدت یا همکاری از ارشاد اسلامی ندیده‌ام



ایرج جباری

اولین و بزرگ‌ترین نمایشگاه عکس و نقاشی کودک‌کستان‌های ضمیمه مدارس استان روز چهارشنبه بیستم دی‌ماه با حضور معاونت آموزش ابتدایی، ریاست و معاونین ناحیه ۳ استان و اصحاب رسانه در نگارستان شهید سردار سلیمانی برگزار شد.

در این نمایشگاه عکس‌هایی از فعالیت‌های مراکز پیش‌دبستانی و نقاشی پوشش شهید سلیمانی و نقاشی نو آموزان با موضوع آزاد در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفت، عکاس مجموعه و گردآورنده آثار نقاشی «منیر آزادبخت» فعال در عرصه داستان، نقاشی و عکاسی بر عهده داشت که بیش‌تر، ایشان را با مجموعه داستان‌های که منتشر کرده، می‌شناسیم و امسال فرصتی دست داد تا در هنرهای دیگر هم، فعالیت خودشان را به نمایش بگذارند. اختتامیه نمایشگاه با حضور دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و والدین دانش‌آموزان، معلمان، اصحاب رسانه و مسئولین آموزش و پرورش در نگارخانه شهید قاسم سلیمانی برگزار شد.

شور و شوق دانش‌آموزان از تماشای عکس‌ها و نقاشی‌ها، جذابیت خاصی به مراسم اختتامیه نمایشگاه داده بود و این امید را در ما زنده کرد که با برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی، نسلی تربیت شوند که گالری‌گردی جزئی از برنامه روزانه آنها باشد.

آثار نقاشی دانش‌آموزان خلاقانه و ستودنی بود و نشان از فعالیت مفید معلمان در امر آموزش دانش‌آموزان پیش‌دبستانی می‌داد.

عکس‌های نمایشگاه به صورت مستند تهیه شده و مجموعه فعالیت‌های کلاس‌های پیش‌دبستانی را نشان می‌داد. اجرای آهنگ شاد و کودکان با ساز سنتور و خواندن آواز کودکان از دیگر برنامه‌ی مراسم اختتامیه نمایشگاه «خشت اول» به شمار می‌رفت.

در حاشیه نمایشگاه فرصتی دست داد با «منیر آزادبخت» به عنوان برگزارکننده نمایشگاه گفت‌وگویی داشته باشیم که تقویم نگاه پر مهر شما می‌شود.

**خانم آزادبخت، حیطة فعالیت شما نوبسندگی بود اما در هفته گذشته نمایشگاه عکس و نقاشی کودکان برگزار کردید، در این مورد توضیحاتی بفرمایید؟**

نمایشگاه عکس و نقاشی بر می‌گردد به فعالیت‌های در حوزه کودک، پس از نوشتن داستان کودکان تصمیم گرفتم لحظات کار با کودکان را، از دریچه دوربین عکاسی تجربه کنم.

**برای برپایی نمایشگاه با مشکلی مواجه نشدید؟**  
قطعاً تمام کسانی که کار هنری انجام می‌دهند همیشه با چالش و مشکلات خاصی روبرو هستند. من متقاضی استفاده از نگارخانه میرزا رضا کلهر بودم، اما ارشاد اسلامی به شدت مخالفت کرد. جمله‌ای که مرا بسیار ناراحت کرد این بود که بسا وجود توضیحاتم در مورد هدف نمایشگاه، آن‌ها در پاسخ گفتند: هر کسی نمی‌تواند از امکانات دولتی استفاده کند.

در طول بیست‌ساله‌ای که مراکز هنری رفت‌وآمد دارم، هیچ‌گاه مساعدت یا همکاری از ارشاد اسلامی ندیده‌ام.

**در این نمایشگاه، جدای عکس‌ها، از نقاشی نوآموزان استفاده کردید علت آن را بفرمایید؟**

کار من در ارتباط با کودکان است و می‌دانم چقدر برای کودکان اهمیت دارد که کارشان دیده شود. هر روز از آن‌ها

می‌خواهم کار نقاشی خود را به دیوار نصب کنند و همیشه شاهد ذوق آنها هستم.

دیده‌شدن و تشویق شدن یک نیاز روحی برای کودکان است و باعث رشد خلاقیت و بالابردن اعتماد به نفس آنها می‌شود، بنابراین تصمیم گرفتم در کنار عکس‌های که از فعالیت بچه‌ها داشتم، نقاشی آن‌ها هم، در گالری در معرض بازدیدکنندگان باشم.

**نقاشی کودکان، رستخیز رنگ‌ها و خطوط است، هر خط و رنگی یک دنیای منحصر به فرد است و خوشحالم که در نمایشگاه این دنیاهایی زیبا دیده شدند.**

**یک کتاب به علاقمندان عکاسی معرفی کنید؟**  
از کتاب‌هایی که مطالعه کردم کتاب زیبا شناسی فرانسوا سولاژ، اثر بسیار جالبی بود.

**استقبال از نمایشگاه چطور بود؟**  
واقعی نظیر بود. نمایشگاه چندین روز بسیار شلوغ داشت، نوآموزان و خانواده‌هایشان با اشتیاق از کارها دیدن کردند؛ هیچ‌وقت نمایشگاه عکس و نقاشی با این حجم از استقبال ندیده بودم، البته اینکه قبلاً در مورد اهمیت گالری‌گردی ارزشمند بودن خلاقیت کودکان، اطلاع‌رسانی و آموزش داده شده بود، بی‌تاثیر نبود.

**به گالری‌گردی علاقه‌مند هستید؟ آیا مردم شهر ما به گالری‌گردی علاقه‌مند هستند؟**

علاقه‌مندی به گالری‌گردی بر می‌گردد به علاقه به هنر و امکانات جامعه. قطعاً از مردمی که نگران مایحتاج روزانه هستند، نمی‌توان توقع گالری‌گردی داشت اما یکی از بهترین روش‌های رشد فرهنگ و هنر همین گالری‌گردی است.

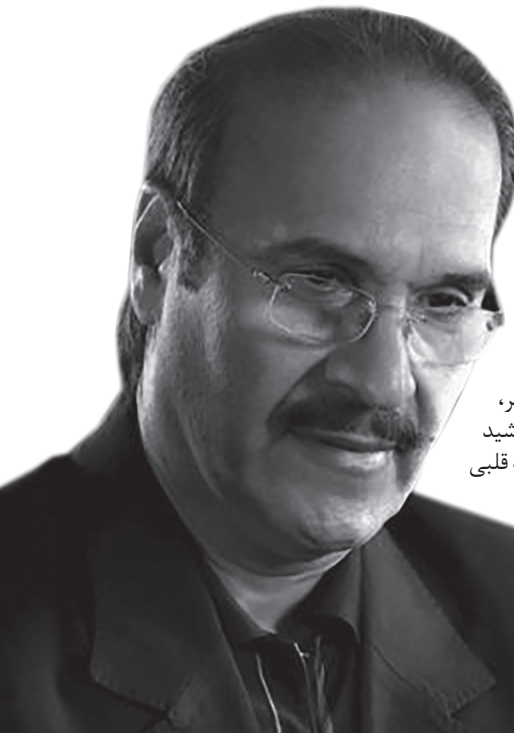
گالری‌های هر شهر سرمایه‌های فرهنگی آن شهر محسوب می‌شوند و نقش کلیدی در توسعه فرهنگی آن شهر دارند. هر چه تعداد آنها بیشتر باشد، فرهنگ آن شهر ثبات بیشتری خواهد داشت. در این زمینه نقاشی رنگ‌روغن و نقاشی هم فعالیت داشته‌اید، در مورد تاثیر نقاشی در ذهن و رشد کودکان بفرمایید؟

افزایش خلاقیت، کاهش استرس، افزایش حس اعتماد بنفس و درگیر شدن حواس کودک از مزیت‌های نقاشی کودکان است. نقاشی می‌توانست یک واحد درسی ارزشمند در دوران ابتدایی باشد. رنگ‌ها رشد شناختی کودکان را افزایش می‌دهند.

**تعریف خود را از هنرهایی که نیمه‌نگاهی به آنها داشته‌اید، بگویید؟**  
نقاشی آرامش، نویسندگی عصیان و عکاسی برایم همچنان بصری است، اما مهم‌ترین هنر کار با کودکان است که باید بسیار عاشق و هنرمند باشی تا بتوانی با کودکان کار کنی، مری کودک بودن هنر سخت و البته لذت‌بخش است.

**در پایان اگر صحبت خاصی مانده، بفرمایید؟**  
بخش نقاشی کودکان حاصل تلاش و شرکت چندین مری مراکز کودک‌کستان‌های ضمیمه مدارس بود، که از همگی سپاسگزارم. عزیزان گرانقدر اداره آموزش و پرورش هم از نمایشگاه بازدید کردند که جای تشکر فراوان دارد، استاد کاریکاتور استان «فخرالدین دوست‌محمد» هم سپاسگزارم.

## عباس جلیلیان به رنگ‌آمیزی و هارمونی ترانه‌های کردی، روحی جدید دمید



تحولی در موسیقی کردی ایجاد کرد. او با صدای گرم و حزن‌انگیز و تنوع رنگ و صدا در آثارش، ترانه‌های زیادی را به فارسی و کردی خواند و با شوریدگی که در آثار و وجودش نهفته بود، با مردم سخن گفت و به آن‌ها لذت معنوی بخشید.

عباس جلیلیان از ابتدا زندگی‌اش را با هنر کوک کرد، افزون بر موسیقی، تابلوهای نقاشی با ارزش و بسیار زیبایی از خود به یادگار گذاشت که مانند موسیقی‌اش، از رنگ‌آمیزی و هارمونی منحصراً برخوردار هستند.

نبوغ و درخشش این هنرمند در عرصه‌ی هنر، پروانه‌ای به دور شمع نبود که شاهی بی‌سوی خورشید بود. این هنرمند در سن شصت‌سالگی در اثر سکته قلبی در کرج درگذشت و در آرامگاه بهشت سکینه در کرج به خاک سپرده شد.

در خاموشی و سکوتی سنگین و دردی جانکاه، یاد و خاطره‌اش را گرامی می‌داریم و ارج می‌نهیم.»

## روح انگیز راهگانی

عباس جلیلیان روز ۱۴ آذرماه بر اثر ایست قلبی درگذشت. روح‌انگیز راهگانی (هنر پژوه) در یادداشتی یاد این موسیقی‌پژوه را گرامی داشت.

روح انگیز راهگانی (نوازنده پیانو و موسیقی‌پژوه) به مناسبت چهلمین روز از درگذشت عباس جلیلیان (موسیقی‌پژوه، خواننده و آهنگساز) یادداشتی در اختیارمان گذاشت:

«۲۶ دیماه، چهل روز از خاموشی صدای عشق آفرین و نوای ساز دل‌انگیز عباس جلیلیان هنرمند کرمانشاهی می‌گذرد. هنرمندی که بیش از چهل سال، در باغ پر فراز و نشیب هنر (خوانندگی، نوازندگی، آهنگسازی، نقاشی و...) گردش کرد، همواره انرژی بخش جامعه‌ی هنری و حیات فرهنگی سرزمین‌مان بود و غنچه‌های بسیاری را شکوفا کرد. سرانجام، خزان ناگهانی او را ربود و آشیان پرندگان باغ هنر را خزان زده کرد، در بیخ و درد...»

عباس جلیلیان با نبوغ و نوآوری‌هایش در رنگ‌آمیزی و هارمونی ترانه‌های محلی کردی، روح جدیدی دمید و جان تازه‌ای به آن‌ها بخشید و با اجراهای ماهرانه و تلفیق دلنشین رنگ و صدا،





آنچه امروزه حصار و حافظ مرزهای فرهنگی کُردستان و پاره‌ی تن سرسزمین اهورایی ایران بزرگ است، که بعد از صفویه به تدریج تا اواخر قاجاریه تا مام میهن جدا شد، همان زبان اصیل و با عظمت کردی است. محمدعلی سلطانی از جمله پژوهشگران پُر توانی است که بخش اعظم تلاش و توان خود را صرف ارائه‌ی خدمات پژوهشی در زمینه‌های مختلف فرهنگی در منطقه‌ی غرب کشور به ویژه کرمانشاهان نموده است.

سلطانی از آن دسته پژوهشگران عالم و پُرکاری است که در تحقیقات خود موضوعات را با سند و مدرک ریشه‌یابی نموده و در اکثر نوشته‌های او عواطف، احساسات و دلجویی از دیگران جایی ندارد. به حق می‌توان گفت که سلطانی تاریخ را برای تاریخ نوشته است.

نوشته‌های وی فراوان و در عین حال پرمایه‌اند. کم‌تر نویسنده‌ای را می‌توان سراغ داشت که توانسته باشد برای یک منطقه یا استان، چنین پژوهش‌های علمی و وسیعی را انجام داده باشد. یکی از دوستان که اکنون از کلاهی ممتاز و دکترای حقوق است، نقل کرد که در دوره‌ی کارورزی در دادگستری کرمانشاه، روزی یکی از بازماندگان «نظام السلطنه‌ی مافی» مدعی ارث و میراث اجداد خویش بود که مدّعی آن را غصب نموده بودند. قاضی از وی سسند و مدرک خواست. وی نیز جلسه‌ی بعد اسناد موجود در دایره المعارف کرمانشاهان را ارئه داد و دادگاه هم پذیرفت و به نفع وی رأی را صادر نمود. این مطلب نشان از اعتبار و سنّدیت این آثار دارد.

-دایره المعارف کرمانشاهان، ۱۲ جلد.
-قیام و نهضت علویان زاگرس (تاریخ تحلیلی اهل حق)، ۲ جلد.

-حقیقه سلطانی، ۶ جلد.
و چندین اثر و تحقیق گران‌سنگ دیگر، تنها بخشی از آثار به چاپ رسیده از این محقق ارزشمند هستند. آثار سلطانی از سرمایه‌های گران‌بهای کُردستان و ایران، و حاصل یک عمر تلاش، مطالعه، تحقیق و جمع‌آوری اسناد معتبر است.

**از دیدگاه شما تاریخ چیست؟ و نگارش آن چه نقشی در جامعه داشته و دارد؟**

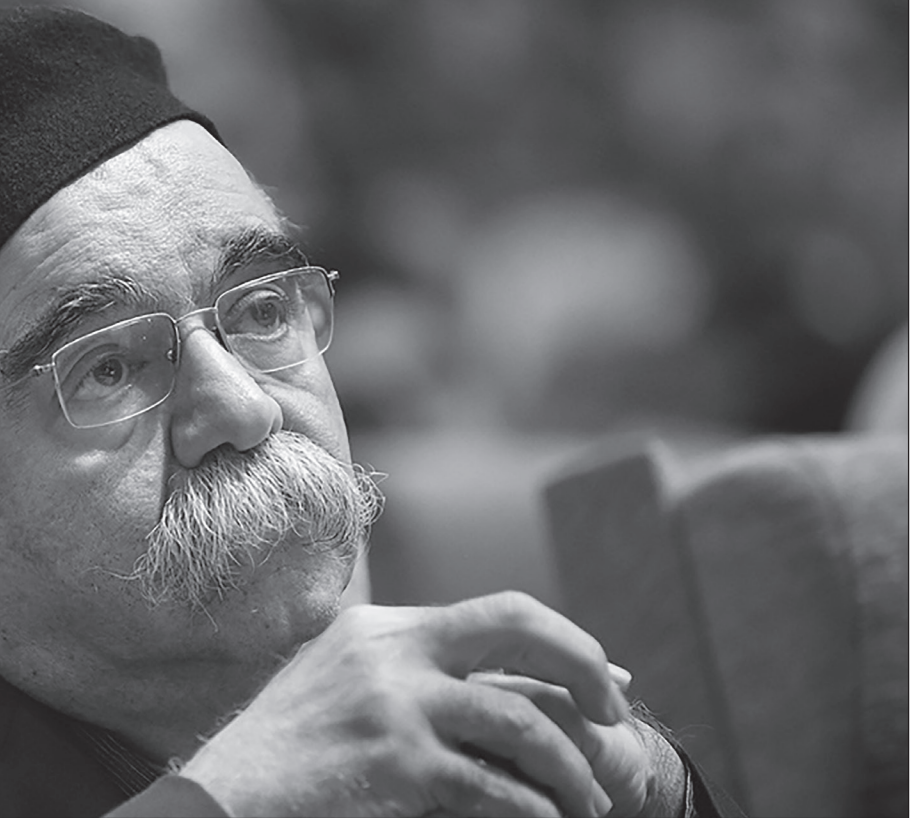
انسان از همان آغاز، موجودی اجتماعی بوده است و در بسیاری موارد با هم متحد و هماهنگ؛ از لحاظ اعتقاد، اقتصاد، اجتماع و اقدام برای آینده‌ای بهتر، اما مسیر تطور اجتماعی و تاریخی، انسان را از اتحاد و اعتماد، به تفرقه و انحصار کشانید و موجب انقراض اقتّیت مرموز پر اکثریت ناموز شده؛ اکثریت بی‌خبر از گذشته، از تاریخ و از سرگذشت انسانی که امروزه اسیر نادانسته‌های خود است، تاریخ او چه به سبب اقتضای زمان، یعنی همان اقدام انحصارگرانی که تاریخ را در اختیار و انحصار داشتند، آینده تمام نمای گذشته نیست، اما با سایه روشن‌هایی که از گزارش‌های پیشین به مردم هر دوره رسیده، می‌تواند راهی برای نجات جامعه‌ی انسانی در مقابل او قرار دهد. تاریخ در یک جمله راهنمای رهایی است و چراغ راه آینده، چنانکه مشهود است:

هر که نامُخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار

درباره‌ی این مطلب نیز که نگارش تاریخ چه نقشی در جامعه داشته و دارد، در پاسخ بخشِ اوّل توضیح داده شد. اما برای شفافیت بیش‌تر باید گفت: بیداری و آگاهی هر جامعه به طور کامل به تاریخ موجود و مکتوب آن جامعه بستگی دارد. جامعه‌ی بدون تاریخ مکتوب، یعنی جامعه‌ی بدون هویت و سرگردان. اگر در گذشته‌های دور ذهن پویای انسان به درج گزارش تاریخ نمی‌پرداخت، در مسیر تحوّلات زمان و دگرگونی جغرافیای جهان، تمامی حرکت‌های انسان محو و ناپدید می‌شد و اقتیّت انحصار طلب همه چیز را مالک می‌شد و از آن خود می‌دانست، امروزه به نیروی تاریخ و سند همیشه زنده‌ی آن که از اندیشه‌ی برتر انسان‌های پیشین نشأت گرفته است، در مقابل تهاجم روز افزون قدرت‌های بزرگ از کبان و ارزش‌های ملی و میهنی، و سرمایه‌های اقتصادی حفاظت و نگهداری می‌شود و در برابر تر تفندهای بی‌امان و تکنیک‌های جهان شمول ایستادگی کرده، می‌ایستند. آگاهی بایسته و ضروری، مقوله‌ی پیچیده‌ای است که جز با بررسی و مطالعه‌ی تاریخی میسر نمی‌شود. تاریخ جامعه را از آنچه داشته و دارد و باید نگاهبان آن باشد، آگاه می‌کند و آگاهی برای انسان و در نهایت جامعه ایجاد حق می‌کند که همین اندیشه(آگاهی) در مکاتب فلسفی تحلیل‌های مختلف دارد که نفی و اثبات و سخن دربارهِ آن نظر به‌ها بسیار گسترده است.

**به عنوان یک صاحب نظر در عرصه‌های تاریخ و فرهنگ، کرمانشاه و مردمان را چگونه معرفی می‌نمایید؟**

دوست داشتن و به گونه‌ی دل‌خواه (منطقه، حوزه، اعتقاد …) معرفی کردن، یک نوع آرمان‌گرایی است که در عصر پسند مدرنیسم نمی‌تواند مقبول و فراگیر باشد، مضافاً اینکه تاریخ امروز با از میان رفتن مرزهای جغرافیایی اندیشه، واقعیت آشکار است. اگر در تألیف دایره المعارف کرمانشاه ارائه‌ی آن به جامعه‌ی خواستار، موفقیتی حاصل شده است، از جمله مهم‌ترین دلایل آن، بیان واقعیت و درستی بوده است. کرمانشاهی و مردمان آن مربوط به امروز نیستند. قرن‌ها صاحبان اندیشه، جهانگردان، ستیاحان، و مورخان از اقصی نقاط جهان به این منطقه آمده و درباره‌ی آن سخن گفته‌اند. درست است که تا پیش از تألیف دایره المعارف جغرافیای تاریخی و تاریخ مفضل کرمانشاهان، اثری جامع و مانع هر چند کوچک و مختصر درباره‌ی این قلب ایران غربی وجود نداشت، اما به قول طبری، دست‌مایه‌ی کار ما، گزارش پیشینیان بوده است و می‌دانید که با این صورتی که



ما کرمانشاه را معرفی کرده‌ایم، هیچ یک از استان‌های ایران معرفی نشده است.

**از نظر تاریخی کرمانشاه چه نقشی در جنبش‌های آزادی‌خواهی گذشته و معاصر ایران داشته است؟**

مشخصاتی که به ساکنان یک سرسزمین در جنبش‌های سیاسی و اجتماعی نقش می‌دهد، عوامل متعددی هستند که در هر برهه باید ساکنان آن سرسزمین دارای یک یا چند عامل از آنها باشند تا بتوانند به طور مثبت یا احیاناً منفی در مقطع مورد بحث نقش خود را ایفا کنند. از جمله مهم‌ترین این عوامل «موقعیت جغرافیایی» و «یافت اجتماعی» است؛ زیرا جغرافیا بستتر تاریخ است و یافت اجتماعی در نهایت نمایانگر ساختار فکری و اعتقادی است.

با نگاه به کتاب «حزب سیاسی و انجمن‌های سزّری در کرمانشاه»، از ملحقات مجموعه‌ی دوازده جلدی جغرافیای تاریخی و تاریخ مفضل کرمانشاهان، دیده می‌شود که کرمانشاه از نخستین مراکز پیشرو در پذیرش و ترویج آزادی و آزاداندیشی، حماسه‌ی مردم گرد کرمانشاهان در جنگ و سال‌ها پیش از جنبش مشروطیت جامعه‌ای پویا و رو به رشد داشته است و همگام با نهضت مشروطیت در کرمانشاه آزادی‌خواهی در دل آزادی‌خواهان می‌تپید که فصل مقلّتی از تاریخ کرمانشاهان و در نهایت ایران را به خود اختصاص داده است.

بین‌الملل اوّل، اوراق تاریخ ایران و اروپا افرا گرفته که چگونه از کبان ملی و میهنی خود دفاع کردند، دولت موقت تشکیل دادند، کابینه انتخاب کردند، ارتش ملیّ به وجود آوردند، و ارتش مقتدر روس، انگلیس و عثمانی را از مرزها تاراندند. مسائلی انقراض قاجاریه و ظهور پهلوی، و اکثر جریان‌های آزادی‌خواهی نیز سرنخی در کرمانشاه دارند و شخصیت‌های فداکاری در عرصه‌ی مبارزات آزادی‌خواهی از کرمانشاه فنا شدند؛ به امید آنکه جامعه به ایده‌آل‌های اجتماعی و انسانی خود دست یابد، اما افسوس که بی‌توجهی و عدم رعایت معیارهای صحیح در تحرّکات سیاسی، مداخله‌ای انحصار طلبان، و خیانت سرسپرندگان، به انحاء مختلف، موجب رکود و ایستایی جامعه‌ی کرمانشاهی گردید.

**در مورد نگارش و تدوین تاریخ، این پرسش مطرح است که چرا در ایران و مناطق کُردنشین کمتر تاریخ تحلیلی وجود دارد و بیش‌تر تاریخ‌های نگاهشته شده‌ی روایی است تا تحلیلی؟!**

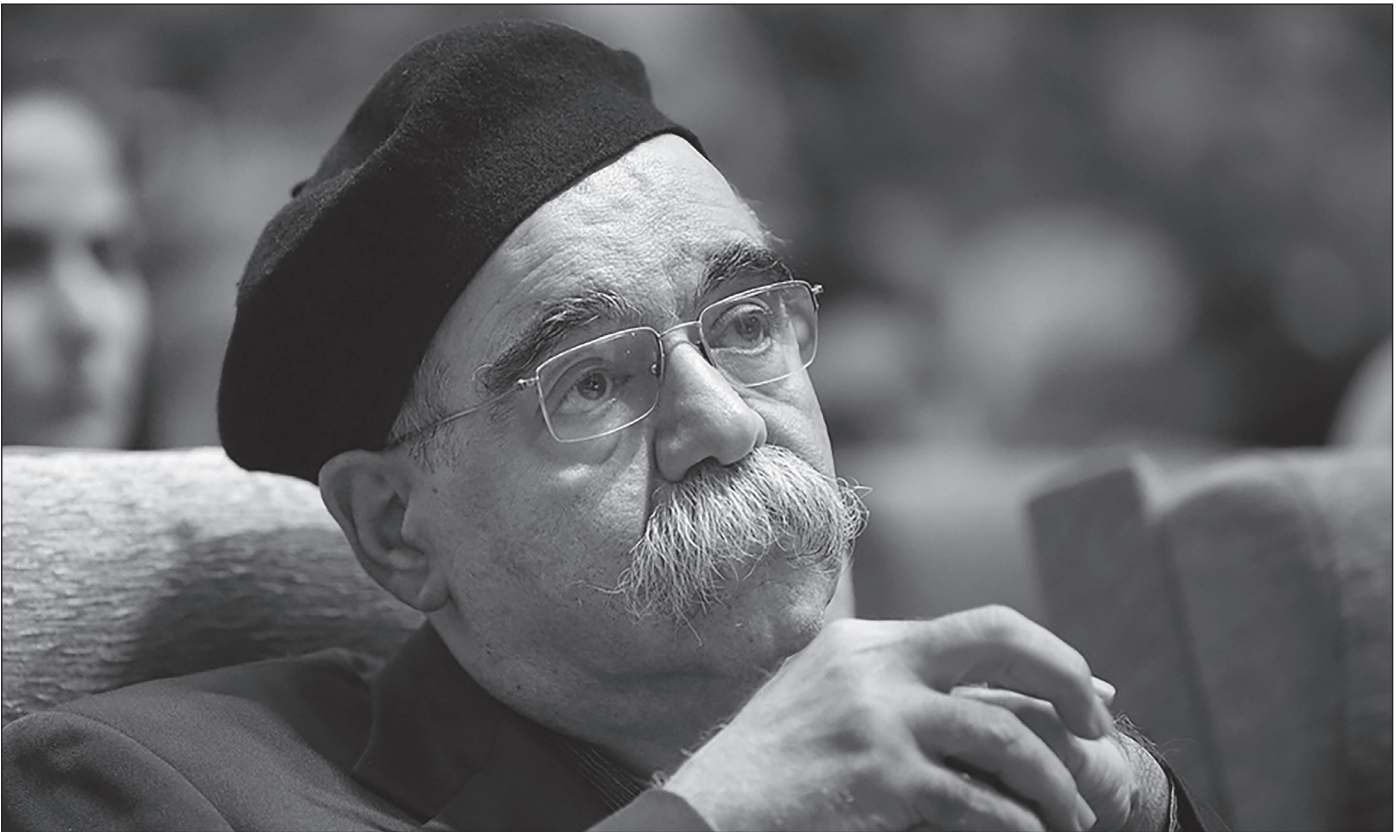
در جواب این سوال باید گفت که این مسئله امری بدیهی است؛ زیرا تا گزارش و اخباری از پیشینیان نباشد، مؤلف و تلاشگر حاضر، نمی‌تواند به بررسی و تحلیل مطالب بپردازد. چون نه در آن زمان‌ها زندگی کرده است تا خود روایتگر موضوع باشد، و نه هر کسی هم زنده از آن روزگاران مانده است که بتواند راوی مسائل گذشته باشد. بنابراین، به قول و اعتقاد «طبری» شناخت اخبار گذشتگان برای کسی که زمان گذشته را درک نکرده، جز از راه نقل و خیر ممکن نیست، چنانکه از راه فکر و استنباط نمی‌توان به شناخت اخبار پیشینیان دست یافت. به عقیده‌ی «پوریحان بیرونی» نیز از راه قیاس و استدلال، آگاهی از اخبار گذشتگان میسر نیست و باید با اسناد و اقوال پیشینیان رجوع کرد. جامعه‌ی علمی اسلامی از دیر باز با طرح فلسفه‌ی تاریخ، زمینه را برای تحلیل تاریخ مساعد کرده و بزرگانی چون «رشید الدّین فضل الله»، «بوعلی مسکویه» و در نهایت «ابن خلدون» پیشقدم این حرکت بوده‌اند؛ به ویژه این خلدون که «مقدمه‌ی معروف او دانشنامه‌ی وسیعی از روش تحلیلی تاریخ‌نگاری و عوامل بایسته‌ی آن است.

درباره‌ی این مطلب نیز که چرا تاریخ‌نگاری تحلیلی ادامه نداشت‌ه و تعطیل مانده است، به نظر من مستبّ آن سلطه‌گران انحصار طلب بوده‌اند که تاریخ و نگارش تاریخ را در اختیار داشته‌اند؛ زیرا تحریر و تاریخ تحلیلی، مستلزم کالبد شکافی موضوعی و معرفی علّت و معلول وقایع است. بنابراین، هر واقعه‌ای را در حد یک گزارش خبری، امر به ثبت و ضبط



## دکتر «محمدعلی سلطانی» نویسنده‌ی دایره‌المعارف کرمانشاهان

# کرمانشاه عاری از همه ویژگی‌های شایسته خود است



دارالاحسان سنندج و مسجد عمادالدوله‌ی کرمانشاه، چون به امریت و ثروت انحصاری سلاطین و حکّام آفریده شده، نام و نشسانی از آفریننده‌های اصلی آنها نیست. بنابراین، در تاریخ هم، «ابوالفضل بهیقی» که دبیر دیوان رسایل «محمود غزنوی» است با تمام حسّاسیت‌هایی که دارد، آنچه را می‌خوانند باید بنویسد نه آنچه را که خودش می‌خواهد و دغدغه‌ی آن را دارد. با این حال، چون دارای اندیشه‌ی پویا است و سخن به واقعیت می‌نگارد، به خاطر مهر به یک زن، زندانی می‌شود. یا «ابواسحاق صابی»، موزّخ عهد «دیالمه» برای رهایی از بند «عبدالله» مجبور به وارونه‌نگاری تاریخی می‌شود، «کالیستنس» موزّخ مشهور «اسکندر» که جاودانگی اسکندر را مدیون تاریخ خود می‌دانست. عاقبت، جایزه‌ی او کشته شدن به دست جلالان حکومت سلطه‌گر بود. آسایش، زندگی و رفاه تارخ‌نگاران سنتی مدیون حکومت‌ها بود.

«بوعلی مسکویه»، «بَلَدآذری»، «علا ملک جوینی»، «وُضّاف»، «حمدا… مستوفی»

همه و همه حتی مورّخان متأخّر تا اواخر قاجاریه و در دوره‌ی پهلوی نیز وابسته‌ی تمام عیار سلاطین و زورمداران بودند. به قول نیچه «کنش انسانی همواره به ملازمه با جبر و زور بوده است.» بنابراین، مردمان عادی یا به تعبیری «مردم عوام»، نمی‌توانستند سهمی در ساختار تاریخ مکتوب داشته باشند؛ هر چند ساختار عملی و فعلی به طور کامل بر دوش آنها بنا و ایقا می‌شده است. البته این شیوه همچنان ادامه خواهد داشت. باز نیچه‌ی بزرگ در مقام یک منتقد محافظه‌کار جامعه‌ی مدرن، جریان‌های فکری لیبرال، سوسیالیست، و دموکرات را از آن رو که وعده‌های توخالی به زحمت‌کشان و توده‌های مردم می‌دهند و با این وعده‌ها انتظارهایی را پدید می‌آورند که خود توان برآوردنشان را ندارند، به شدّت مورد حمله قرار می‌دهد. به نظر او آرمان‌های دنیای نو، از جمله آزادی، برابری و دموکراسی، چیزی جز توهم نیست و هر کس که وعده‌ی تحقّق آنها را بدهد، تپیز به شستی توهم‌دامن زده است و در پایان به بیت‌ایلی بگی جاف شاعر دیده‌دار کرد می‌رسیم که «ههر وا بووه و ههر وا دووی» که تاریخ، هنر، نام، و استمرار تراوش اندیشه و استعداد همواره متعلّق به انحصار طلبان سلطه‌گر بوده و خواهد بود.

**نقش و جایگاه کرمانشاه را در ایران و به خصوص غرب کشور چگونه ارزیابی و تحلیل می‌نمایید؟**
کرمانشاه به تأیید و تعبیر اکثر قریب به اتّفاق مستشرقان، مرکز کُردستان بوده است و از دوران ظهور اسلام و پس از آن، گذشته از موقعیت برجسته‌ی تاریخی و اعتقادی پیش از اسلام- زیرا صرف نظر از بُعد موقعیت جغرافیایی و تأثیرات سیاسی در جنبش‌های آزادی‌خواهی- کرمانشاه پیشینه‌ی اجتماعی و ارتباطی توانمندی دارد که آن را واسطه‌العقد شهرهای دامنه‌ی زاگرس از آذربایجان تا دهانه‌ی اروندرود قرار داده است. تحوّلات فرهنگی عمیقی در طی سده‌های پیشین در کرمانشاه، صورت گرفته و در حرکتهای فکری پیشرو ایالات زاگرس چون سنندج، حَرم آباد، دیوالا(ایلام کنونی) و حتی در مواردی همدان بوده است که نمونه‌های آن را در مسائل عهد افشاریه و زندیه و به ویژه در دوره‌ی قاجاریه پس از نهضت مشروطیت قابل توجه است. اگر آذربایجان «سیمیای ایران» و تهران «قلب ایران» تصوّر شود، کرمانشاه «سینه‌ی سستیر ایران» و شهری است که همواره سپهر بلا بوده و در طی قرهاضربه‌های فسرآوان دیده، اما به همت ساکنان آن همیشه بلند، بی‌پاک، و پرافتخار، اما مظلوم و خوددار زیسته است و یکی از عوامل عقب‌ماندگی‌های آن پس از دوران پیروزی انقلاب نیز علاوه بر موقعیت جغرافیایی که هشت سال تمام ایستگاه ثانویه‌ی عملیات هوایی دشمن بود، این است که امروزه با تمام پتانسیل‌های بالایی که از جمع جهات اقتصادی، ارتباطی، بازرگانی، کشاورزی، منابع طبیعی، جاذبه‌های سیاحتی، زیارتی، و جهانگردی موجود در منطقه‌ی کرمانشاه که به تفصیل در دائره‌المعارف کرمانشاه



به آنها پرداخته شده است و می‌بینم، می‌شنوم و می‌خوانم که آن مطالب دست‌مایه‌ی مسئولان در گزارش‌های خبریشان است. با این حال امروزه در مناطق، یاد شده، به ویژه اقداماتی برای بهبود وضعیت شهرها انجام می‌گیرد اما چون اقدامات مزبور نشأت گرفته از طرح‌های توسعه‌ای دور از مسائل و مفاهیم ایرانی و در واقع در فرهنگ توسعه‌ی مفاهیم غربی و دور از فرهنگ بومی شکل گرفته است بنابراین، طراحی‌های انجام شده طراحی صنعتی در قلمرو توسعه است در حالی که بنای انقلاب یک بنای فرهنگی است و توسعه‌ی صنعتی بدون توجه به فرهنگ بومی محکوم به بن‌بست و در نهایت شکست است. برای استفاده‌ی بهینه از سرمایه و صنعت باید زمینه فرهنگی مساعد ایجاد کرد. صنعت و توسعه برای انسان و جامعه عامل رفاه و پیشرفت است. در صورتی که ما در فقر اقتصادی فردی و جمعی و فقر فرهنگی و اجتماعی در سر می‌بریم که محصول جنبی سازی و پایگانی سرمایه‌ی فرهنگی ملی، میهنی، و اعتقادی در اثر سیطره‌ی بی‌امان تهاجم فرهنگی است. اعتیاد، اپزد، بیکاری، انتحار، خودسوزی زنان، قتل‌های ناشی از جنون آنی، فرار جوانان از منزل، و مهاجرت‌های شهری را انگیزه‌ی دسترسی به پدیده‌های مدرن، که در شهرهای زاگرس به ویژه کرمانشاه شیوع دارد، مسائلی انکارناپذیر است که بسنجاری از صفحات مطبوعات را به اخبار تکان دهنده‌ی خود اختصاص داده است- و بدون پرداختن زیربنایی و مبارزه‌ی ریشه‌ای با بحران اجتماعی، صندوق بین‌المللی پول و دیسون قجری برای آینده‌ای مستاصل و جامعه‌های بیمار راه به جایی نخواهد برد؛ زیرا توسعه‌ی سالم در بطن جامعه‌ی سالم می‌تواند شکل بگیرد و نگرش یک سوسوه که به موازات توسعه‌ی فرهنگ نباشد معضلات و مشکلاّتی فراوان در پی خواهد داشت و اقتصاد و فرهنگ اگر به موازات یکدیگر مورد توجه قرار نگیرند، همواره جامعه‌ی عمود بحث منگی بر دو چرخ افقی خواهد بود: چرخ‌های موازی را از دست داده است و در یک سخن کوتاه امروز کرمانشاه سرزمینی است که بالقوه همه چیز دارد و بالفعل عاری از همه‌ی ویژگی‌هایی شایسته‌ی خود است.

**زبان به عنوان یکی از اصلی‌ترین شناسه‌های هر ملت و قوم، چه نقشی در همبستگی مردمان یک قوم و تاریخ و فرهنگ آنها داشته و دارد؟**

«زبان» و «خط» همواره دو رکن اساسی استقلال فرهنگی ملت‌ها به شمار می‌رفته‌اند و این دو عامل گاهی فراتر از مرزهای سیاسی عمل کرده و می‌کنند. تا پیش از ایجاد کمپانی هند شرقی زبان فارسی و خط ایرانی در تمامی شبه قاره و از سوی تا اقصی نقاط مرزهای عثمانی که به جوار دول اروپایی می‌رسید رواج داشت و در واقع امپراتوری بزرگ اسلامی با رشته‌ی نامرئی «خط» و «زبان» به هم پیوستگی داشت که در مسائل با ایجاد قوانین تحمیلی و سیاسی و تهاجم فرهنگی، این منطقه از سرزمین را قطعه قطعه کردند، به قول «وان گنپ» بدترین تقسیمات ملل که به کلی غیر طبیعی است، آن است که یک قوم هم زبان را به چند بخش تقسیم کنند. در سابق «مونتسکیو» می‌گفت:مقرّرات سیاسی را که برای جدا کردن ملل ساخته‌اند صحیح نیست، رسوم و عادات ملل قوی‌تر از مرزهای مقرّر است، اگر ملت همزبانی قیّراً تجزیه شده باشد به محض یافته شدن راه اتصال، اجزای پراکنده به اصل خود می‌پیوندند. به عقیده‌ی مونتسکیو زبان از رسوم و عادت هم قوی‌تر است و اگر یک حادثه پیدا شود، معلوم می‌گردد که این عمل چه قدر سست بنیان بوده است. امروزه نیز حصار و حافظ مرزهای فرهنگی کُردستان بزرگ، یعنی پاره‌ی تن سرسزمین اهورایی ایران بسزرگ، که بعد از صفویه به تدریج تا اواخر قاجاریه تا مام میهن جدا شده، همان زبان اصیل و با عظمت کردی است.

**نقش مردمان «الحق» (=پارسان) را در تاریخ چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

اهل حق نخله‌ی دینی کردی که ریشه در هزاره‌های تاریخی ایران دارند و در سیر تطوّر خود به شیوه‌ی ادیان پیشرو، وام‌گیری‌هایی به جای اصولی و اعتقادی از سایر ادیان داشته‌اند که برآمده از تجلیات ادواری این مکتب است. از سوی دیگر، از آنجا که در صیانت از مبانی اعتقادی بی‌دریغ بوده‌اند و مبانی مزبور در ارتباط مستقیم با ایران و آیین و آداب ایرانی‌ها است در هر برهه‌ی تاریخی نقش خود را به نحو احسن به انجام رسانیده‌اند که در پژوهش‌ها و جلدی قیام و نهضت علویان زاگرس به تفصیل به نقش آنها پرداخته شده است.

**چه پیشنهادی برای ارتباط هر چه بیشتر روشنفکران و محققان مناطق کُردنشین دارید؟**

ارتباطات علمی و فرهنگی امروز امری سهل الوصول است و با وجود ایمیل، اینترنت، و سیمینارهای فرهنگی در طی فصول سال، کُردستان ایران، عراق، ترکیه و همچنین در اروپا روال مطلوبی در ارتباطات فرهنگی اهل قلم کردی ایجاد کرده است.

**آیا زمان آن فرا تر سیده که دایره المعارفی جامع در مورد تاریخ کرد نوشته شود، در این مورد چه پیشنهاد و نظری دارید؟**

تحقیق این امر به طور سراسری میسر نخواهد بود؛ یعنی برای هیچ سرزمین و ملتی در مشرق زمین این امر صورت نگرفته است. دایره‌المعارف موردی و تخصصی با عناوین مختلف وجود دارد. به هر حال بهتر است که دایره‌المعارف به صورت منطقه‌ای تألیف شود، همان‌گونه که ما برای کرمانشاه توفیق تألیف آن را داشتیم که در آینده بتواند به طور کلی، شامل تمامی نقاط شود؛ یعنی مجموعه‌ی دایره‌المعارف‌ها بتواند اساس دایره‌المعارف‌های کلی و سراسری در تمام نقاط ایران قرار گیرد و این همت و زمان و پشتوانه‌ی علمی و اقتصادی خاصّ خود را می‌خواهد.



## علی (ع) اسوهی تقوا و فضیلت



یک فرقه ی عظیم از فرقه های چهارگانه ی ملت اسلام را هدایت می کنند، در فضیلت علی (ع) سخنان می گوید که علمای امامیه رضوان الله علیهم این سخن را غلو و کزاف می شمارند، و روانه می دارند علی (ع) را تا این پایه بستانید. آنچه امام شافعی گفت: اگر علی مرتضی (ع) خود را آن طور که بودندشان می داد، مردم جهان همه در برابرش سر سجده بر زمین می گذاشتند. شافعی می برد، ولی نمی داند، که خدای او الله است، یا علی (ع) است.

علی علیه السلام شخصیتی است که تقوی و فضیلت و منات و شجاعت را یکجا در خود جمع کرده است، زندگی ساده و بی آرایش امام از افراط و تفریطها برکنار بود، شمشیر علی (ع) جز در راه حق و حقیقت، جز در راه دفاع از مظلومان بکار نمی رفت، علی (ع) قهرمانی بود که هیچ گاه تحت تأثیر نمایلاتش قرار نمی گرفت.

در خاتمه مطلب را با مثنوی شیر حلق از کلیات مثنوی معنوی (قرآن فارسی) اثر مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی) و رباعی کشکول گدایی درویش محو غلبشاه کرمانشاهی به پایان می رسانیم.

شیر حق  
از علی آموز اخلاص عمل  
شیر حق را دان منزه از ذغل  
در عزا بر پهلوانی دست یافت  
زود شمشیری بر آورد و شتافت  
او خدو انداخت بر روی علی  
افتخار هر تبتی و هر ولی  
او خدوانداخت بر روی که ماه  
سجده آرپیش او در سجده گاه  
در زمان انداخت شمشیران علی  
کرد او اندر غزایش کاهلی  
گشت حیران آن مبارز در عمل  
از نمودن عفو و رحم بی محل  
گفت بر من تیغ تیز افراشتی  
از چه افکندی مرا بگذاشتی  
گفت من تیغ از بی حق می زنم  
بنده ی حقم، نه مأمور تم  
چون خدو انداختی بر روی من  
نفس جنید و تبه شد خوی من  
نیم بهر حق شد و نیمی هوا  
شرکت اندر کار حق نبود روا  
حلم تیغ از تیغ آهن تیزتر  
بیل زد لشکر ظفر انگیزتر  
صد هزاران کیمیا حق آفرید  
کیمیایی همچو صبر آدم ندید  
مولا جلال الدین محمد بلخی  
(مولوی)

رباعی کشکول گدایی  
کشکول گدایی تو دارم مولی  
این فقر شده ست افتخارم موالی  
محتاج کسی غیر تو و دوست نیم  
با این همه فقر، شهریار مولی  
بنده کمترین محمد باقر اشکوریان  
فقیر خاکسار محو علی کرمانشاهی  
۱۴۰۲/۱۰/۱۴

منابع:

سخنان جاویدان داریوش شاهین، سخنان علی (ع) جواد  
فاضل کتاب منتهی المال حاج شیخ عباس قمی، کتاب آیات  
ولایت شیخ عبدالکریم مدرس مثنوی معنوی مولانا جلال  
الدین محمد بلخی (مولوی) و دو رباعی اول و آخر محمد  
باقر اشکوریان فقیر خاکسار محو علی کرمانشاهی

### محمد باقر اشکوریان

آن یار نبی و مظهر خود علی ست  
سَرِ سلسله ی وجود و موجود علی ست  
فخر همه خلق بعد معبود علی ست  
ختم سخن و مقصد و مقصود علی ست

صبح آدینه سیزدهم ماه رجب یک روز بهاری سسی سال  
بعد از واقعه عام الفیل در مکه بود. رایحه ی دلپذیر و روح  
پروری بیروامون «کعبه» را سرشار از لطافت فرح بخش  
بامدادی می کرد. جمعیت کثیری طبق آئین همیشگی در  
آن روز، گرد خانه ی «کعبه» اجتماع کرده بودند و هدایای  
گونگون می بخشیدند، و از احشام خویش قربانی می کردند،  
و بیروامون خانه ی خدا، طواف می نمودند.

زنی میان سال، از خاندان «بنی هاشم» و همسر «ابوطالب»  
آیستن، نه ماهه و در آستان تولد فرزند، دل جمعیت را  
می شکافت تا خود را به «کعبه ی» ایمان و آرزو و امید و  
رستگاری رساند. او همیشه، در چنین روز و ساعتی به  
«کعبه» می آمد، تا در برابر خدای بزرگ، پرده از دل بردارد،  
و با خدای خود به راز و نیاز نشیند.

... آرام ... آرام ... نزدیک ششد ... پرده ی «کعبه» را میان دو  
دست خویش گرفت، و سر بر آسمان کرد و با خدای خود به  
مناجات پرداخت:

«فریدگار، آگاهی که من ترا به یگانگی و عظمت بی مانندت  
بزرگ می دارم و می ستایم، در عبادت و بندگی ات شتابم و  
غیر تو مرا یاری و پروردگاری نیست. در برابر این همه نعمت  
و نیکی تو ترا سپاس می گویم و به گفتار جدم، «ابراهیم»  
که این خانه را بنا نهاد و صحف ترا برای آدمیان آورد  
ایمان دارم. اینک ای یگانه ی من، ترا به حق این خانه عزیز  
سوگند می دهم، این بار گران را که تا به امروز بر دل خویش  
کشیدم، و هنگام تولدت نزدیک شده، ولادتش را بر من  
سهل و آسان گردان، و مرا و نوزادم را از خطر ایمن بدار. ی  
مهربانا، تنها نیازمند لطف و رحمت تو هستم.»

و اندکی بعد از آن معجزه بوقوع پیوست، و «فاطمه» دختر  
«اسد» و همسر «ابوطالب» در شکاف خانه ی «کعبه»  
نایدید ششد. ... و ... بعد ... زائران حیرت زده ی خانه ی خدا،  
نوزادی را در آغوش او دیدند که سبزه رو و بسی نمکین و  
دوست داشتی بود.

با پیشانی فراخ و بلند، و چشمانی درشت و سیاه که نگاهش  
تا عمق قلب هر تماشاگر ی نفوذ می کرد.  
فاطمه بنت اسد علیها سلام الله حال که به سلامت از  
خانه ی خدا بیرون ششد. به خانه ی «ابو طالب(ع)» رفت  
به «ابوطالب» عرض کرد که فرزندت را نام کن، گفت: رفت  
بر بردار زاده ام سبقت نمی گیرم. «فاطمه» به «ابوطالب»  
گفت هنگامی که خواستم از «کعبه» بیرون آیم هاتقی از  
غیب مرا ندا کرد که ای فاطمه این فرزند بزرگوار را علی نام  
کن بدرستی که منم خداوند علی اعلی و او را آفریده ام از  
قدرت و عزت و جلال خود «ابوطالب» دوباره تکرار کرد که  
من بر بردار زاده ام سبقت نمی گیرم. روانه خانه آن حضرت  
شدند و عرض کردند یا حبیب الله این فرزند ما را نام گذار،  
«حبیب» خدا فرمودند من بر خدای خودم سبقت نمی گیرم  
لذا ابوطالب به اتفاق فاطمه بنت اسد روانه ابطح شدند که

نام ناحیه ایست در نواحی مکه و محل دعاء بوده است در آن  
موضع ایستاد و دست هایش را به سوی آسمان بلند نمود  
در حالی که رو به خانه کعبه بود عرض کرد. ای پروردگار  
ای صاحب شب تار و ماهتاب روشنی دهنده فرمای و بیان  
نما از حکم جاری خود که نام این پسر را چه فرمایی همین  
طور که ایستاده بودند گرد و غباری وزیدن گرفت و بعد چند  
لحظه ای یک قطعه سبزی از آسمان بریز آمد دو بیت شعر  
بر روی آن نقش بسته بود. از نوشتن عربی آن خودداری  
می گردد. ترجمه شعر: مخصوص گردانیده شدید شما  
(ابوطالب و فاطمه بنت اسد) به این فرزند پاک و پاکیزه  
و برگزیده خدا و راضی به فرمان وی و نام او از علو شأن و  
رفعت و بزرگی علی است و از نام گرامی علی اعلا مشتق  
شده است. این قطعه را بخانه آوردند سپس به دست خلفای  
وقت رسید و تا زمان عبدالملک مروان بر دیوار خانه کعبه  
آویخته بود.

علی پنجمین و تنها فرزندی از خاندان «بنی هاشم» بود که  
پس از خواهرش «فاخته» و برادرانش «طالب»، «عقیل»،  
«جعفر» در خانه ی «کعبه» متولد ششد. البته نه تنها در  
خاندان «بنی هاشم» بلکه اولین و آخرین بود که در خانه  
ی «کعبه» دیده به جهان گشود و در خانه ی خدا «مسجد»  
دیده از جهان فریست.

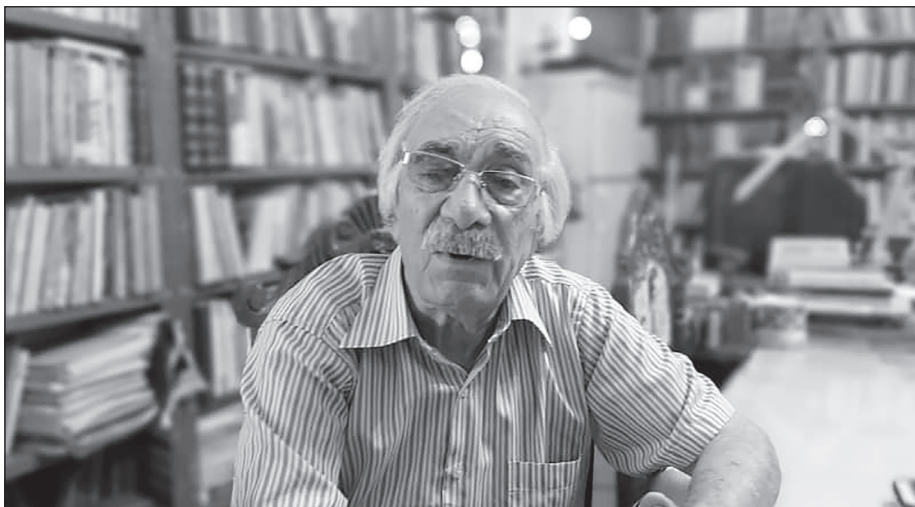
چندی بعد، قحطسالی، «مکه» نشینان را در فقر و  
تنگدستی و مصائب سخت روزگار، خرد و ناتوان ساخت،  
«ابوطالب» هم در این پریشانی سهمی داشت.  
اما عزت نفس و اصالت خانوادگی، مانع از آن می شد  
که دست نیاز بسوی کسی پیش آورد. برادر زاده اش  
(محمد(ص)) از بی برگی و تهیدستی «ابوطالب» آگاه  
شده بود، اما نمی توانست از ثروت «خدیه» به عمویش  
کمکی کند. خاندان «بنی هاشم» انجمنی ترتیب دادند  
تا برای «ابوطالب» چاره ای بجویند. قرار شد که فرزندان  
او میان حاضران تقسیم شوند. در این هنگام «ابوطالب»  
گفت: «عقیل» را برای من بگذارید و فرزندان دیگرم را به  
خانه های خود ببرید.

چندی بعد، در حالی که دست هر یک از فرزندان در دست  
«عباس»، «حزمه» و «عاتکه» بود، انسان راهی خانه های  
خویش شدند، و «علی» را که طفل ۸ ساله بود با «محمد  
(ص)» تنها گذاشتند. لحظه ای این دو بهم نگریستند، تا این  
که «محمد(ص)» به روی «علی» آغوش گشود، و «علی» در  
جذبه فروغ و گیرایی مهری خدایی، به «محمد(ص)» پناه  
برد. آن دو همچون پدری و پسر ی عاشق که پس از سالیان

## ترانه ها و سروده های کردی کرمانشاهی «به کوشش خسرو پرهام»

خسرو پرهام محقق و پژوهشگر کرمانشاهی سال های  
زیادی از عمر خود را صرف تحقیق و پژوهش در فرهنگ  
عامیانه و گردآوری ترانه ها و اشعار محلی نموده است،  
تلاش مستمری که نشان از عشق و علاقه ایشان به فرهنگ  
و تاریخ کرمانشاهان دارد، به گفته استاد جلال الدین  
کزازی: «سروده ها و تک بیت های کردی کرمانشاهی از  
نغزترین و دلاویزترین شاخه های زبان کردی می باشند»  
گردآوری این اشعار همتی و الا می طلبد که از پژوهنده ای  
همچون خسرو پرهام بر می آید تا با دقت نظر و حوصله  
همیشگی خود آنها را به همشهریان خویش تقدیم نماید.  
خسرو پرهام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۹ در کرمانشاه، منطقه  
فیض آباد به دنیا آمد و از کودکی در دامن خاندانی اهل  
فرهنگ پرورش یافت و از راهنمایی بزرگان شعر و ادب

کرده است.



۵۴۵  
جاییلِ خاشه، خدای رسته بو!  
چو کنار و دَس، شاریل گشته بو!  
جوانی خوب است که قدرت خدادادی داشته باشد!  
چوب کنار در دست، شهرها را گشته و با تجربه باشد!

۵۴۶  
چو یل سبت، پر زباده بو!  
دل و کسی بیته، نجیم زایه بو!  
چشمان مستت پر از یاده باشد!  
دل به کسی بسیار که نجیب زاده باشد!

۵۴۷  
خدایه له کو، «شاره زویل» له کو!  
من و طمه بوم، سوزه، بیوه بو!  
پروردگارا! من کجا و شهروز» به این دوری کجا!  
من در طمع این باشم تا زیبایی سبزه رو ببیوه شود(و بر گردد)!

۵۴۸  
مه برای توام، رونم شیوه بو!  
و دیوان حاکم، و جنگ لیوه بو!  
من برادری رستم صولت می خواهم!  
که در محاکم برنده و در جنگ شجاع باشد!

۵۴۹  
خانم کی دیه، کلش و پای بو!  
سیکار بکیشی، شوئی گه ی و لای بو!  
کی دیده است که خانم گیوه ی مرانده ببیوشد؟  
سیکار بکشد و شوهرش هم کنارش باشد!

۵۵۰  
مال باوگ گه ت، و چه ی نی بو!  
اگر یچولی، شمال و بی بو!  
آلاچیق پدیرت، از دسته های نی باشد!  
آتش بگیرد و باد شدید شمال هم در پی آن باشد!

۵۵۱  
آر دوس یکی بو، آر هزاری بو!  
هزاری و نذر، وفاداری بو!  
اگر دوست یکی و اگر هزار باشد!  
تمامی هزار تن فدای یک یار وفادار شود!

۵۵۲  
هر کس خفتیه، خو خیری بو!  
هر که ها خوَر، جوی مه ذیری بو!  
هر کس خفته است، خوابش خیر باشد!  
هر کس بیدار است، (شاید) چون من گرفتار عشق باشد!

۵۵۳  
دیتیر تمنام، و بالای کی بو!  
دیتیر کی بوینم، شیوه ی تو لی بو!  
من پس از این به قامت رعنا کی بنام!  
دگر کی را ببینم که به تو شبیه باشد!

۵۵۴  
بئی دوسی توام، دوس گیانی بو!  
زلف شوَر و دم تنگ، کرمانشایی بو!  
دوستی می خواهم، دوست جانی باشد!  
زلف کمند و دهان تنگ و کرمانشاهی باشد!

۵۵۵  
بو گل، بو عطر و، بوی رازان شو!  
مَل یل دان و یک، جوی بچکه ی مکتو!  
با پرآکندگی بوی گل و نسیم عطر گیاهان در شب!  
پرندهگان نیز مانند کودکان دبستانی با هم شروع به نغمه  
خوانی کردند!

۵۵۶  
خالق شمار دم، هفت و هشت و نه!  
هیچ خالیگ نیمه، وینه ی خال تو!  
خال هایت را شمر دم، هفت و هشت و نه!!  
و هیچ خالی را به زیبایی خال های تو ندیده ام!

۵۳۳  
دوسی ی گ خاشه، له هر دو سر بو!  
نه مه بسوزم، یاری بی خوَر بو!  
دوستی ای پسندیده است که دو طرفه باشد!  
نه این که من بسوزم و یاری بی خبر باشد!

۵۳۴  
ترسم دوره ی بو، دور ناکس بو!  
ناکس حاکم بو، قلم و دَس بو!  
می ترسم دوره، دوره ی ناکسان باشد!  
ناکس حاکم و صاحب دیوان باشد!

۵۳۵  
دلدار ی خاشه، گردت بی دل بو!  
شَم و پروانه، گل و بلبل بو!  
محبوبی نیگوست که با تو یک دل باشد!  
همچون شمع با پروانه یا همچون گل با بلبل باشد!

۵۳۶  
خدا و پیت بیه ی، دنیات و دل بو!  
پرچینت میخک، همرازت گل بو!  
خداوند به تو (دارایی) بدهد و دنیا به کامت باشد!  
پرچین (باغ زندگیت) میخک و همرازت گل باشد!

۵۳۷  
و بزری قُدت، میل قورم بو!  
قَر پاجینت، قلا ی دورم بو!  
به بلندی قامتت، درازی مزارم باشد!  
طرز پیراهنت مانند قلعه ای اطرافم را در بر بگیرد!

۵۳۸  
مه دوسی توام، تا سر دوسم بو!  
ایوازه تا صو، هاو مونسم بو!  
دوستی می خواهم که تا پایان ثابت قدم باشد!  
(شب ها) از غروب آفتاب  
تا صبح همدم و مونسم باشد!

۵۳۹  
مه دوسی توام، تا سر دوسم بو!  
مه کل بکشم، او کل پوسم بو!  
من دوستی می خواهم که تا آخر با من باشد!  
من گوزن شکار کنم و او یار شکارم باشد!

۵۴۰  
اگر میل گه ت، فراموشم بو!  
سفیدی کفن، بالا پوشم بو!  
اگر عشقت فراموشم شود!  
امیدوارم که کفن سفید پیراهن تنم شود!

۵۴۱  
مال باوگ گه ت، و چه ی ی سون بو!  
و هر میلکانی، دوانی گم بو!  
نگهدارنده چادر پدیرت دسته ای «سون» باشد!  
در هر «میلکان» دو تایش گم شود!

۵۴۲  
شرط بو له داخت، هر یه حالیم بو!  
ای برگ سیات، سال و سالم بو.  
عهد می بندم که از داغت همیشه غمین باشم!  
و این لباس عزای تو را همواره بر تن داشته باشم!

۵۴۳  
دستمال دَس گه ت، بیل دوان بو  
یکی آوریشم، یکی کتان بو!  
دستمال دستت (هنگام چوبی) بگذار که دو تا باشد!  
یکی ابریشمین و دیگری کتان باشد!

۵۴۴  
سیگار دی نکیش، دَمِت تال و بو!  
دنان طلاگه ت، لکه داز و بو!  
دیگر سیگار مکش که دهانت تلخ می شود!  
و دندان طلایت لکه دار می شود!





اسماعیل رحمانی

## کلیم ا... توحیدی «پژوهشگر تاریخ»:

# این پهلوانی‌ها فقط از کردها بر می‌آید

اسماعیل رحمانی

### کردهای خراسان در زمان کلیدر

اینکه یک پژوهشگر تاریخ و علاقمند به موسیقی در گوشه‌ای از این سرزمین، در حوالی مشهد، در مورد کردهای ایران تحقیق کند و در این زمینه کتابی هشت جلدی بنویسد، برای نگارنده بسیار جالب بود، علاوه بر آن بخشی از پژوهش خود را بر روی «خاندان کلمیسی» در زمان معروف کلیدر اثر محمود دولت‌آبادی متمرکز کند و با توجه به اسناد و مدارک ثابت نماید که آنها از ابار کردها بوده‌اند، مطلب او را بسیار خواندنی و جذاب کرده است. کردهای سبزوآر - بستر اصلی و محل وقوع حوادث زمان کلیدر - در این زمان از خود رشادتها و قهرمانی‌ها نشان می‌دهند و به قول آقای توحیدی این جان ششانی‌ها فقط از کردها بر می‌آید.

پیشینه کوچ کردهای ایران به زمان شاه اسماعیل صفوی بازمی‌گردد، زمانی که آنها را برای دفاع از مرزهای خراسان به آن دیار سوق دادند و بعدها جانشینان شاه اسماعیل نیز همین سیاست را در پیش گرفتند، با این کار خاندان صفوی، قبایل سرکش کسر را از مرزهای غربی خود کردند و آنها را به پاسداری از دیگر مرزهای نامن کشور روان ساختند، به گونه‌ای که در زمان شاه عباس صفوی پنج ولایت گردنشین را در سرحدات استرآباد چتران تشکیل داده‌اند. گفتگوی زیر که توسط فیض‌آ... بیری به کلیم ا... توحیدی صورت گرفته به روایت رنج و شور و مستی کردهای ایران در زمان «کلیدر» می‌پردازد.

دیده‌ای است تأکید ما در مورد دلآوری کردها در طول تاریخ، هیچگونه نشانی از تمایلات ناسیونالیستی و برتری طلبانه ندارد، اقوام گردنیز همانند دیگر مردمان سرزمینی به نام ایران دارند که به آن افتخار می‌کنند و در کنار گویش‌های متفاوت خود به زبان زیبای فارسی صحبت می‌کنند، زبانی که در طی قرون بزرگترین شاعران و نوابغ بشری با آن سخن گفته و شعر سروده‌اند.

متأسفانه گاهی در میان اهل نظر و شاعران کرد زبان در کرمانشاهان، تمایلات قومی بسیار شدید است و اینگونه دلبستگی‌های عاطفی و احساسی خطر افتادن از آن ور نام را در پی دارد و ممکن است به نتایج خطرناکی بینجامد. اینکه اقوام کرد در طول تاریخ رشادتها از خود نشان داده‌اند یا تمدن و فرهنگ دیرینه‌ای دارند بحث جداگانه‌ایست اما این واقعیت نباید به تحقیر دیگران منتهی شود و به گفته استاد جلال الدین کزازی: «زبان کردی هیچ سنتیزی با زبان پارسی ندارد و زبان کردی و گویش‌های رایج در میان اقوام ایرانی، نه تنها تهدیدی برای زبان

پارسی نیست بلکه آنها نیای این زبان کهن هستند» اما ارمان کلیدر، این زمان که بلندترین اثر محمود دولت‌آبادی است و در حدود سه هزار صفحه و در ده جلد نوشته شده است روایت زندگی یک خانواده کرد ایرانی است که به سبزوآر کوچانده شده‌اند، داستان در حدود سال‌های ۱۳۲۵ و پس از غائله آذربایجان آغاز می‌شود و در سال ۱۳۲۷ به پایان می‌رسد، شروع این زمان نیز با یک دختر کرد با نام مارال آغاز می‌شود که سوار بر اسب خود به ملاقات پدر و نامزد خود می‌رود، اقوام پدری مارال نیز از کردهایی هستند که در خراسان زندگی می‌کنند و «کرمانج» نامیده می‌شوند و به کلمیسی‌ها معروفند. ادامه زمان شوق شورانگیز گل محمد و مارال را می‌خوانیم و ماجرای قیام گل محمد بر علیه عوامل حکومتی و سرنوشتی که در نهایت به دستگیری و تیر باران او منجر می‌شود. کتاب «کلیدر» یکی از آثار ماندگار تاریخ ادبیات ایران است.

این زمان سرگذشت کردهای منطقه سبزوآر است. تاریخ این سرزمین، شرح حال دلآوری و رشادت کردهاست، قومی که در بسیاری از نقاط جهان پراکنده‌اند.

هر جا کرد است، نشانی از رنج و عشق وجود دارد و استاد کلیم... توحیدی (کانیمال) به گواه داستان زندگی‌اش این دو را به فراوانی در خود جای داده است. او دی‌ماه ۱۳۲۰ در روستای اوغاز (دارالعلم سرحد قوچان) شهرستان شیروان از مادر زاده شد و حاصل ۷۴ سال فریختگی و زندگی پر بار فرهنگی، انتشار کتاب‌های ارزشمند و از جمله ۳۰ اثر منتشر نشده است. از کتاب‌های او می‌توان به مجموعه هشت جلدی «حکرت تاریخی کرد به خراسان» و «کلیدر» به روایت اسناد تاریخی» اشاره کرد. قابل توجه است که کار اصلی توحیدی موسیقی است و در زمینه موسیقی خراسان علاوه بر انتشار کتب و آلبوم‌های جذاب، نوازنده‌ای ماهر و خواننده‌ای محبوب است.

جناب توحیدی، می‌خواستم از همین کتاب اخیر آغاز کنیم. ذهنیت نوشتن کتاب «کلیدر در اسناد تاریخ» از کجا شکل گرفت و شما چگونه به فکر افتادید که اسناد کلیدر را به صورت واقعیت منتشر کنید؟

می‌دانید که کار اصلی من موسیقی است و از کودکی دنبال این کار بودم و آواز می‌خواندم. آهنگ «خان کلمیسی» را

هم شنیده بودم. نمی‌دانم شما لوح فشرده‌ای که ضبط کرده‌ام، گوش داده‌اید یا نه؟ بعدها که بزرگ شدم، از هر کسسی که می‌پرسیدم جواب درستی نمی‌شنیدم تا اینکه سال ۱۳۶۳ آقای دولت‌آبادی، کلیدر را منتشر کرد و من فهمیدم این همان داستان است. چندین بار کتاب را خواندم. کتاب بسیار زیبا و خوبی است. خیلی چیزها از این داستان آموختم، اما متوجه شدم این داستان در جلد دهم رها شده و «خان‌محمد» بنا به قول «گل‌محمد» باید انتقام می‌گرفت. امارت و خبری نشد. آن وقت من این جریان را دنبال کردم. در کتاب توضیح داده‌ام که آنها وقتی رفتند، حاج‌صبرخان از این جمع تنها مانده بود. رقت با او صحبت کردم «که در آنجا من نوشته‌ام، دنبال اسناد و مدارک بوم. شنیدم که آقای دولت‌آبادی گویا مصاحبه کرده بودند که کردی در کار داستان نبوده و از این مسایل. برای همین تصمیم گرفتم من دنبال اسناد و مدارک بروم و نشان دهم که داستان از چه قرار بوده است. اگر کرد نبوده، شما در منطقه سبزوآر - محل رویداد داستان که کرد هستند - نمی‌توانید قهرمانی را پیدا کنید که این کنشش را داشته باشد. این قهرمان حتماً باید کرد باشد که خود را به آب و آتش بزند و برای حفظ ناموس خود و اطرافیان - بلوچ‌ها - زندگی‌اش را بر باد می‌دهد. من با بازماندگان اینها صحبت کردم؛ از جمله با دختر خان محمد که تنها مانده بود و همین‌طور کسانی که در آنجا خدیل بودند». قربان بلوچ «که بعدها به شوروی رفت - آمده بود و فیلم‌هایی از او تهیه کرده‌اند، اما با سؤالات بی‌هدف، البته باید اضافه کنم بعد از بازگشت قربان بلوچ از روسیه، پرسش مصاحبه‌ای با او انجام داده بود که در سه کاست ضبط شده که بعد از انتشار کتاب کلیدر در اسناد تاریخی به دست من رسید. در تجدید چاپ کتاب حتماً این گفت‌وگو را نیز اضافه می‌کنم. می‌دانیم که اسنادی هم در فضای رسانه‌ای از جمله عکس‌هایی از صحنه اعدام «گل‌محمد» منتشر شده بود و شرایطی که مادرش برایش شیون سر می‌دهد، گفته می‌شود این نوا می‌نویس مادری گل محمد به عنوان قطعه‌ای موسیقی در منطقه شما عمومی شده و افرادی آن را بازخوانی می‌کنند. گویا شما هم در مصاحبه‌ای به همین موضوع اشاره کرده بودید.

### میرزا کوچک خان از کردهای خراسان و از طایفه رشوانلو بوده و احتمالاً

از خراسان به آن دیار مهاجرت کرده‌اند. باید گفت که «امیرعشایر

کرد شاترانلو» ساکن خلخال بود که حکومت او را نگه می‌داشت. اما

وقتی که امیرعشایر پیشنهاد داد که به تهران برویم، میرزا کوچک خان

رفت. نمایندگان تهران هم می‌گفتند بیا و تهران را فتح و بعد از آن کار

را یکسره کن، اما نپذیرفت. امیرعشایر در نهایت میرزا کوچک خان را

رها کرد و میرزا به شکل تراژیکی کشته شد. سرش را بریدند. خالو قربان

که از کردهای هرسین بود، سر بریده میرزا را برای رضا شاه برد و رضا

شاه فوری درجه سرگردی به او داد. در نهایت به جنگ مهاباد رفت و

همان جا کشته شد. حیدرخان را نزد میرزا فرستادند و متوجه شدند که

میرزا کمونیست خوبی از آب در نمی‌آید. خواست میرزا را ترور کند، اما

حامیان و اطرافیان‌ش متوجه شدند و او را کشتند. می‌دانید گفته می‌شود

میرزا کوچک خان با خود لنین مکاتبه داشت. اما مردم ایران عقیده

کمونیستی را نمی‌پذیرفتند. «خود» (خداوردی) سردار کرد زعفرانلو

در این زمینه هم خیلی تلاش کرد، اما شکست خورد. چون کردهای

خراسان کمونیست نمی‌شدند.

حالا که با اسناد موضوع را به گونه‌ای دیگر مطرح

کردید، آقای دولت‌آبادی و دیگران چه واکنشی نشان دادند؟

یکی از همشهری‌های آقای دولت‌آبادی به من زنگ زد و خیلی ابراز خوشحالی کرد و گفت یک نسخه از کتاب را برای آقای دولت‌آبادی فرستاده‌ام. یکی از دوستان کرد من هم که فیلم‌بردار است، از تهران آمد و گفت آقای دولت‌آبادی چنین موضوعی را شنیده‌اند، اما گفته که کتاب به دست من نرسیده است. در نهایت نسخه‌ای از آن را دادم به این دوست سبزوآری و ظاهر به دست آقای دولت‌آبادی رسیده است. آقای دولت‌آبادی نوشته گل محمد در ۲۷ بهمن ۱۳۲۷ کشته شده و حتی تیراندازی در فرودگاه را گل محمد انجام داده بود. به صورتی که گل محمد در آخر فروردین ۱۳۲۶ که شش‌هفته به خراسان آمد و تصمیم می‌گیرد که کارش را تمام کند، کشته می‌شود. بنابراین در حادثه فرودگاه گل محمد حضور نداشته است.

سؤال من این بود که آقای دولت‌آبادی واکنشی نشان نداده‌اند؟ چیزی نشنیدم. اما تشکر هم کردم که این داستان را

نوشته، چون اگر ایشان نبود، من دنبال این کار نمی‌رفتم. هزاران داستان مثل کلیدر در منطقه ماسرخ داده، مثل داستان‌های سردار «عوض‌خان»، «جوجوخان» و سردار «تحفه گل» شیرین کرد جلالی و مرزدار قلعه فیروزه که کسی نبوده اینها را بنویسد. در مورد عکسی هم که شما گفتی منتشر شده، باید بگویم که کسی نتوانست آن را شناسایی کند، من خودم شناسایی کردم.

آقای دولت‌آبادی هم کرد هستند؟

خیر، ایشان از دولت‌آباد سبزوآر و از تات زبان‌ها هستند.

با ایشان رابطه دوستی دارید؟

متأسفانه نه. ایشان را هنوز ندیده‌ام. اما اظهار نظر و مصاحبه‌هایشان را خوانده‌ام.

پس شما اثبات می‌کنید که داستان کلیدر مربوط به کردهای خراسان است؟

بله، فقط نام‌ها را عوض کرده‌اند. حق هم داشت. اما در کتاب من، اسامی را واقعی نوشته‌ام. مثلاً لقیس نام مستعار گلستان است. شخصی مثل کلمیسی که دولت‌آبادی او را زیاد نکوش می‌کند، آدم والایی بوده است. وقتی کتاب منتشر شد، عده‌ای مرا تحریک کردند که بیا از دست دولت‌آبادی شکایت کن، چون به ما توهین کرده است. گفتم شما این قدر دلسوزی نکنید! می‌خواهید نشان دهید که دلتان به حال ما زیاد سوخته است!

از نظر شما آقای دولت‌آبادی از چه زاویه‌ای روایت را تغییر داده و به آن هویت داستان بخشیده است؟ آیا صرفاً تغییر نام شخصیت‌ها مطرح است یا نغی هویت کردها و تغییر کلیت داستان؟

تغییر شخصیت‌ها مطرح بوده است. ما باید بپذیریم که این داستان در آنجاری داده است، اما دولت‌آبادی قصد داشته، لباس داستان حرفه‌ای بر تن آن بپوشاند و یک رمان بنویسد. البته بسیار خوب و زیبا نگاشته‌اند، اما در مصاحبه‌هایی که انجام داده است، تلاش می‌کند انکار کند که در داستان کرد وجود داشته است. امثال آقای «سعید نفیسی» هم که درباره ظرفیت‌های اجتماعی ایران نوشته است، می‌گوید که کرد وجود نداشته، مردم به چوپان‌های خود کرد می‌گفتند! من در کتاب تازه‌ام به ایشان پاسخ داده‌ام.

بله، آن شش جلد را از زمان صفوی به بعد نوشته‌ام. مهاجرت در سه مرحله صورت گرفته است. یک مرحله شاه اسماعیل صفوی کوچ اجباری می‌دهد، یک‌بار شاه‌طهماسب و نهایتاً کوچ بزرگ. در مهاجرت زمان شاه اسماعیل، قهرمانی‌ها (کردها قهرمانلو) بوده‌اند. اینها از منطقه قرامان دیار بکر آمده‌اند. رئیس این طایفه «بیرام (بهرام) بگ کرد قهرمانلو» بود که با بدایق سلطان مکرکی کرد مهابادی است. شاه‌اسماعیل سه خواهر داشت که او را شکست داد. شاه‌اسماعیل سه خواهر داشت که هر کدام را به یکی از سرداران کرد داد؛ از جمله یکی از آنها را به همین بیرام بگ. یکی را به کردهای مهاباد و یکی را به شاه‌محمدخان استاجلو» که عده‌ای به دروغ و بدون سند نوشته‌اند، کرد نبوده، ترک بوده است؛ مثل «محمد فضولی»، شاعر کرد که او را ترک معرفی می‌کنند. ما مستند می‌گوییم اینها همه کرد هستند. شاه‌اسماعیل کردهای قرمانلو و کردهای کلهر و عده‌ای دیگر را آورد. شاه‌طهماسب هم عده‌ای دیگر از اینها را مهاجرت می‌دهد. در مرحله سوم کوچ بزرگی روی می‌دهد که شامل «چموش دزک» می‌شود که خودش شامل بیش از صد ایل و طایفه است. اینها همه از قفقاز، عراق و شمال شرق ترکیه آمده‌اند. هموندهای بسیاری از این کردها الان در ترکیه هستند، اما بابان‌ها را می‌دانیم که اهل «شاه‌زور» (شهرزور) عراق هستند. فکر می‌کنم بازمانی‌ها را که در خراسان معدودند، نادرشاه آورده است. همین نادرشاه برای حفظ و نگهداری سرحدات ایران با عثمانی و برای جلوگیری از تهدیدها، پنج هزار نفر از کردهای خراسان را به آرزوم برد. همین آقای اوچالان رهبر مخالفان کرد در ترکیه، از همان کردهای کرمانج است. وقتی که نادر کشته شد، اینها آنجا ماندند.

یادم می‌آید که حدود ۱۵ سال پیش در یک برنامه تلویزیونی هم گفتید از زندگی و موسیقی آنها فیلم گرفته‌ام.

بله، کمی هم فیلم دارم. الان سیاه‌چادرها دیگر نیستند؛

چون گله‌داری و بز نمانده است. وقتی بز نباشد، مو نیست، وقتی هم مو نباشد، نمی‌توانید سیاه‌چادر بیاغید. الان همگی چادرهای «برزنتی» استفاده می‌کنند. از شتر و اسب خیری نیست و تراکتور جایشان را گرفته است. تقریباً کوچ‌نشینی به روش سنتی تمام شده؛ چون مرتع از بین رفته است. روستاییان تمام مراتع را شخم زدند و به زمین کشاورزی تبدیل کرده‌اند. حدود سه هزار خانوار از عشایر ما هنوز کوچ‌چور هستند. ممکن است بیش از آن تعداد نیمه‌کوچ‌نشین داشته باشیم.

از پراکندگی جغرافیایی کردها در خراسان بفرمایید. چه اطلاعاتی در این زمینه می‌توانید به ما و خوانندگان بدیدید؟ مشخصاً کردها در چه نقاطی ساکن هستند؟

طول و عرض جغرافیایی کردهای شمال خراسان را در کتاب نوشته‌ام. شمالی‌ترین شهر مرزی ما «باجگیران»، یعنی مرز ایران و روسیه است. مردمان باجگیران از کردهای کیکانلو و مربوط به همین روستای اوغاز هستند. روستای سوزان ده و بعد از آن رباط زعفرانلو هست که در جنوب جاده تهران-مشهد و جنوبی‌ترین نقطه مشهد قرار دارد. فکر می‌کنم قریب به ۲۰۰ کیلومتر از باجگیران تا

رباط زعفرانیه (قلعه خان محمد کلمیسی که در آنجا دفن شده) عرض جغرافیایی کردها در خراسان باشد. کردهای خراسان در شکل‌گیری رویدادها و فضای تاریخی ایرانیان نقش داشته‌اند؛ مثلاً آقای رحیمی، نماینده وقت قوچان هستند. من با ایشان مصاحبه کرده‌ام و در جلد هفتم کتاب نوشته‌ام. متأسفانه نتوان مالی ندارم چاپ کنم. رحیمی پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت داد، اما به نام مصدق تمام شد. ایشان از کردهای یکان‌لو و اهل باجگیران بود.

در مقاله‌ای خواندم که میرزا کوچک خان هم از کردهای آن خطه بودند. حتماً تأیید می‌فرمایید که جنبش جنگل را هم کردها راه انداختند.

بله، از کردهای خراسان و از طایفه رشوانلو بوده و احتمالاً از خراسان به آن دیار مهاجرت کرده‌اند. باید گفت که «امیرعشایر کرد شاترانلو» ساکن خلخال بود که حکومت او را نگه می‌داشت. اما وقتی که امیرعشایر پیشنهاد داد که به تهران برویم، میرزا کوچک خان رفت. نمایندگان تهران هم می‌گفتند بیا و تهران را فتح و بعد از آن کار را یکسره کن، اما نپذیرفت. امیرعشایر در نهایت میرزا کوچک خان را رها کرد و میرزا به شکل تراژیکی کشته شد. سرش را بریدند. خالو قربان که از کردهای هرسین بود، سر بریده میرزا را برای رضا شاه برد و رضا شاه فوری درجه سرگردی به او داد. در نهایت به جنگ مهاباد رفت و همان جا کشته شد. حیدرخان را نزد میرزا فرستادند و متوجه شدند که میرزا کمونیست خوبی از آب در نمی‌آید. خواست میرزا را ترور کند، اما حامیان و اطرافیان‌ش متوجه شدند و او را کشتند. می‌دانید گفته می‌شود میرزا کوچک خان با خود لنین مکاتبه داشت. اما مردم ایران عقیده کمونیستی را نمی‌پذیرفتند. «خود» (خداوردی) سردار کرد زعفرانلو در این زمینه هم خیلی تلاش کرد، اما شکست خورد. چون کردهای خراسان کمونیست نمی‌شدند.

کتاب‌های زیادی از نسبت‌ها در حوزه فرهنگ و تاریخ و موسیقی کردهای خراسان منتشر شده و چنان‌که اشاره کردید، آثار متعدد دیگری برای انتشار دارید. اما به نظر می‌رسد دایره‌المعارف کرد خراسان از سطح موضوعی گسترده‌تری برخوردار است؟

دایره‌المعارف کردهای خراسان دنبایی است که خودم هم در آن کم شده‌ام. متوجه هستید؟ یک نفر چقدر می‌تواند کار کند؟ روزها به باغ می‌روم و تا غروب بیل می‌زنم و کار می‌کنم و شب‌ها هم تا پاسی از شب کار می‌کنم. فکر می‌کنم روزی که ساعت دیگر بمیرم، همه کارهای نیمه‌کاره می‌ماند و از بین می‌رود. شما از روستای اوغاز به مشهد آمده‌اید؟ الان ساکن مشهد هستم، اما برای کارگری با اوغاز ارتباط دارم. زمین دارم و تبدیل به باغ کرده‌ام. آنجا کار می‌کنم. زندگی شما از راه باغداری می‌گذرد؟ تا حالا که استفاده‌ای از بانک کشاورزی ندیده‌ایم. اما به تازگی باغ سیب به ثمر نشسته است. تسهیلاتی که گرفته‌ام، آن را تبدیل به سیستم قطره‌ای کرده‌ام، اما مشکل کمبود آب دارم. می‌دانید که مرحوم استاد کامبوزیا که جعفر پیرش در مجلس ششم نماینده مردم زاهدان در مجلس شد، از کردهای خراسان بود که به زاهدان مهاجرت کرد و مرزعه تحقیقاتی ساخت که در پنج کیلومتری شهر و الان تقریباً در مرکز شهر است. به نظر می‌رسد که شما هم کاری مشابه انجام می‌دهید. چیزی مشابه است. اما استاد کامبوزیا برای کشاورزی آب داشت ولی من ندارم. مشکل این است.



# اصغر واقدی، از پیشتازان شعر نو در کرمانشاه و از شاعران قابل توجه دههٔ چهل در سطح ملی



اسفندیاریشیدی

به ما اجازه ندادند که شعر عاشقانه بگوییم به ما اجازه ندادند مهربان باشیم میان میکده با گریه‌های پنهانی شب مکررمان را به روز آوردیم و در پناه درختان و در پناه سکوت قدم زدیم در این جاده‌های طولانی به ما اجازه ندادند که در عزیزترین لحظه‌های بی‌خبری به پاسب خاطر دل‌هایمان که خاموش است به عاشقانه‌ترین روزها ببیندیشیم و قصه‌های پُر کین را ز عطر خاطرها و شایب خفته و بیمار را به چلچراغ غزل‌هایتان بیاراییم.

\*\*\*

تو ای زلال‌ترین چشمهٔ نوازش و مهر که با شکوه‌تر از روزهای پاییزی میان ما و شب طولانی، زمان جاری‌ست تو خوب می‌دانی که سال‌های جدایی به ما چگونه گذشت هنوز در دل این کوجه‌های خاطره انگیز طنین زمزمهٔ عاشقانه می‌پیچد و ذهن پنجره‌ها از انتظار لبریز است تو ای نهایت خوبی! چگونه باید گفت که این زمانه نفرینی که این هوای غبار آلود که این فضا شناور میان آتش و دود و روزهای سیاه گرسنگی هرگز به ما مجال ندادند به عاشقانه‌ترین لحظه‌ها ببیندیشیم.(۱)

(کرمانشاه-۱۳۴۶)

شعر فوق یکی از شعرهای نو و درخشان دهه چهل ایران است که بسیاری را به تحسین واداشت. بسیاری او را شاعر معترض آن سال‌ها می‌دانند که با احساس مسئولیت در برابر جامعه سعی در روشنگری مسائل اجتماعی برای مخاطب را دارد. وی در شعرهایش به دنبال بیدار کردن خواننده بود و اصالت را به پیام شعر می‌داد و از فرمها و پیچیدگی‌های زبانی پرهیز می‌کرد.اصغر واقدی به سال ۱۳۱۹ در شهر کرمانشاه در میان خانواده‌ای فرهنگی به دنیا آمد.او از بستگان نزدیک آقای هاشمی مدیر کتاب فروش نیما در کرمانشاه است.و پس از تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در کرمانشاه به تهران می‌رود و پس از اخذ مدرک لیسانس ادبیات فارسی از دانشسرای عالی تهران، مدرک فوق لیسانس علوم تربیتی و مدیریت آموزشی را از دانشگاه تهران کسب می‌کند. واقدی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۱ در دبیرستان‌های کرمانشاه، قزوین و تهران به عنوان دبیر مشغول به کار بود و مدتی نیز در جایگاه کارشناس روابط عمومی در وزارت آموزش و پرورش و هم چنین کارشناس ارشد آموزشی فعالیت داشت. «او کار شاعری را از سن شانزده سالگی شروع کرد در ابتدا به سبک کهن گرایشی داشت و غزل‌های زیادی می‌سرود ولی بعد مسیر خودش را تغییر داد و در راه شعر نو یا شعر جدید قدم نهاد. او به این باور رسید که تقلید طوطی وار از قدما کاری عبث و بیهوده است و شعر باید آئینه‌ای از خود شاعر و زمان او و نسل امروز باشد.»[۱]بر گرفته از پشت جلد کتاب جرعهٔ

بسیاری از شاگردان او، تحت تأثیر شخصیت و دانش ادیبش علاقمند به ادبیات می‌شوند. یکی از دانش‌آموزان او به نام جعفر سید خاطر‌ه‌ای از واقدی تعریف می‌کند که بیانگر نفوذ و شخصیت وی بر روی دانش‌آموزان است. با هم این خاطره را بخوانیم تا از این رهگذر با شخصیت انسانی و هنرمندانه او بیشتر آشنا شویم:«نزدیک به چهل سال پیش وقتی در سال اول دبیرستان شرف در تهران درس می‌خواندم، دیدم بچه‌ها با ورود دبیر ادبیات آقای واقدی به شدت برایش دست زدند و با شور و اشتیاق به او احترام گذاشتند. من علت را نمی‌دانستم و آقای واقدی هم تعجب کرده بود و از بچه‌ها علت را پرسید. بچه‌ها گفتند:«امروز ساعت یک تلویزیون شما را نشان داده و ما فهمیدیم شما شاعر هستیید» … من واقدی را در تلویزیون

ندیده بودم اما حالاً زنده در حالی‌که با لیخندش می‌گفت:«مگه نمی‌دونستی؟» در کلاس می‌دیدم اما دوست داشتمم او را و نوع شعر خواندنش را در تلویزیون می‌دیدم. بچه‌ها از او خواستند شعری بخواند و بعضی‌ها خواستند روی تخته بنویسد تا یادداشت کنند و او نوشت:

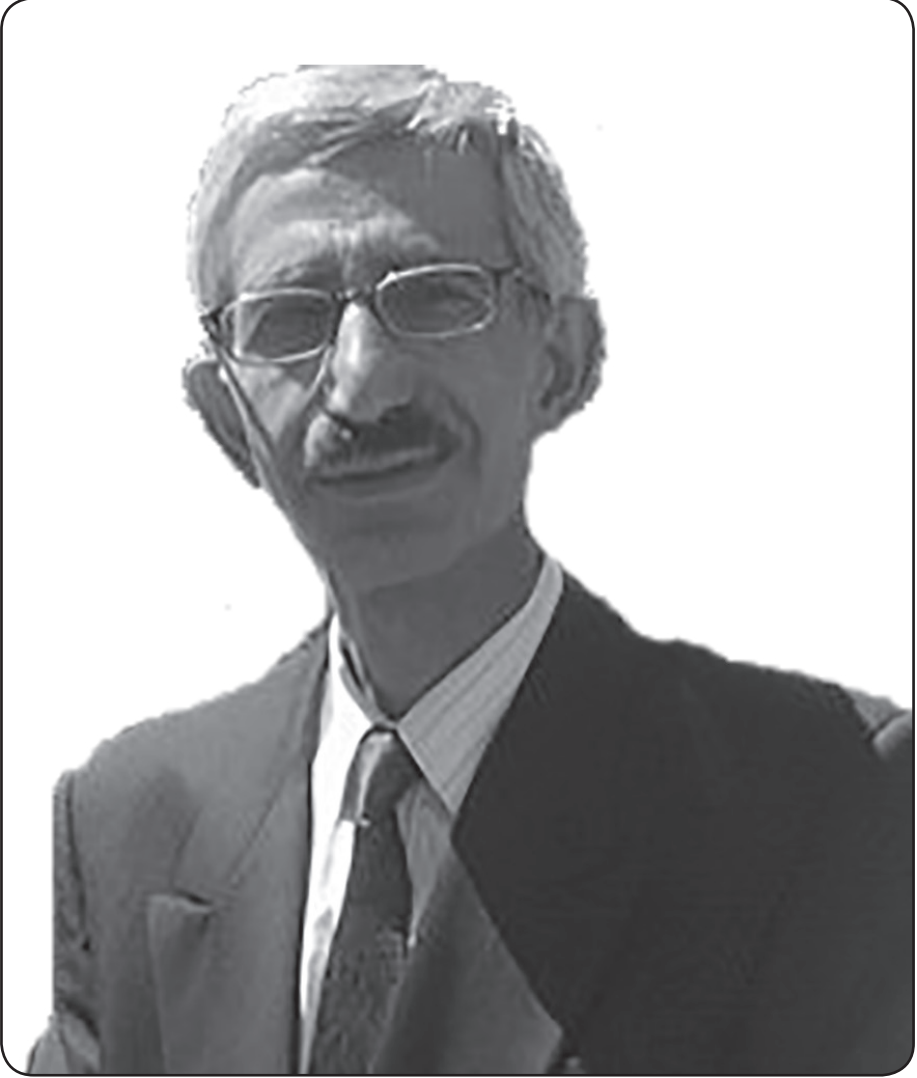
«ای تک چراغ شهر شب آلود این راه را به شوق تو بیمودم بر گردای امید گریز آهنگ من آرزوی گمشدهات بودم ای شهر غم گرفتهٔ پر اندوه مرغ نشاط بر سر بامت نیست کو آن پرنده‌های طلایی زنگ؟ دیگر شراب شوق به جامت نیست آن روزهای بهار چه زیبا بود با عطر پونه‌های بیابانی با سبزه‌های وحشی صحراها با روزهای نهم‌بارانی رخت سفر به سوی تو بر بستم شاید بهار تازه‌تری جویم شاید به خنده باز کنی در را آه ای گل شکفتهٔ خوشبویم



اما من از بهار چه بگویم برای تو هر سال ای بهار وقتی میان دامنه‌ها خیمه می‌زدی با اینکه در [خور تو] چیزی نداشتم تا در گذر گهت بفشانم به پای تو یکباره نقد زندگیم که شعر بود با اشک شوق ریختم‌ام در صفای تو هر چند شاعران زمان‌های دور دست این سکه عتیقه‌ی بی‌اعتبار را

نظر دیگران درباره اشعار واقدی در دههٔ چهلصغر واقدی کتابی از اشعارش را در سال ۱۳۴۴ منتشر می‌کند به نام جرعه. شمس لنگرودی شاعر و پژوهشگر برجسته معاصر درباره این کتاب می‌گوید:«از دیگر شاعران قابل توجه دههٔ چهل که در خور استعداد و اشعارش مورد توجه لازم قرار نگرفت، اصغر واقدی بود. اشعار واقدی: بد یا خوب، از شعر بسیاری از شاعران مطرح آن دهه‌ها که در کتاب حاضر(تاریخ تحلیلی شعر نو) از کیفیت اشعار بودن‌شان سخن گفته‌ایم، بی‌ارج‌تر نبود، ولی هیچگونه نقدی بر مجموعهٔ جرعه نوشته نشد و ظاهراً سالیان دراز طول کشید تا تعداد اندک از جرعه‌ها به فروش برسد. اشعار کتاب جرعه، عموماً

\*\*\*



**من وقتی شعر خوانی آقای واقدی را دیدم یک شاخه گل رُز که روز قبل یکی از بچه‌های کلاس‌های دیگر با خود به دبیرستان آورده بود و من یک شاخه گل قرمزاز او گرفته بودم تا به منزل ببرم از زیر میز در آوردم و به آقای واقدی تقدیم کردم . او فکر می‌کرد من هم با دیدن تصویر او در تلویزیون و به همین مناسبت گل را تهیه کرده‌ام و تشکر کرد و گل را بویدد و گفت:«بوی صابون میده» من هم گفتم: نه آقا، صابون‌های شما بوی گل میده» و او خندید و من چهره مهربان و شاعرانه او هیچگاه از خاطرم نمی‌رود.**

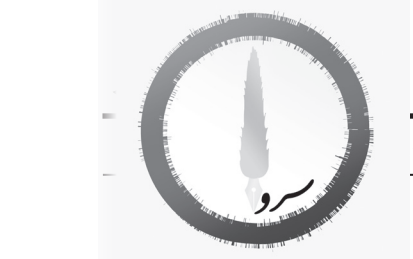
از شهرها پرنده عاشق زبیم‌رفت مائیز در بهار پر از آرزوی خویش داستانمان شکسته و لبهایمان خموش در انتظار مرگ نیستیم هر چند سالهاست که بیجان و مرده‌ایم زیرا سکوت و سردی گورستان در شهرهای ما، در قلم‌های ماست، آیا شنیده‌ای؟ حالا نظریه ساواک را ببینید: نظریه مسئول عملیات: ضمن ایفاد یک برگ عین برش قطعه شعر بالا که در مجله فردوسی شماره ۸۱۴ روز ۱۳۴۶/۳/۲ به طبع رسیده و با توجه به سوابق علی اصغر واقدی در ستاد و اینکه افراد وابسته به حزب ملت ۲ و جبهه ملی در حال حاضر موقعیت را برای فعالیت‌های علنی و تشکیل جلسات و بطور کلی فعالیت حاد مناسب نمی‌بینند و در برخورد‌های خود به یکدیگر توصیه می‌کنند فعلاً هنگام مطالعه و مبارزه غیر علنی می‌باشد. همانطوری که به متن شعر بالا توجهی فرمایید گو اینکه می‌توان برای (بهار) قطعه شعر امیدوار کننده و تسلی بخش سرود ولی مشارالیه در لافافه به صورت سمبلیک تا اندازه‌ای شعری به قول معروف بودار سروده که البته روی این شعر به طور حتم افراد متماثل به جبهه ملی و مخالفت سلطنت بحث‌هایی خواهند نمود. با توجه به مراتب فوق به نظر اینجانب می‌بایست از درج اینگونه اشعار با در نظر گرفتن سوابق سرایندهگان آنها خصوصاً در مجله فردوسی که به طور غیر مستقیم می‌توان ادعا نمود ارگان این نوع افراد می‌باشند جدا

رمانتیک و تحت تأثیر زبان فریدون توللی، نادر نادرپور و اخوان ثالث بود و اگر چه یکسره از حشو و زوائد خالی نبود، ولی از اغلاط وزنی و دستوری که متداول آن سال‌ها بود، کمتر در آن به چشم می‌خورد. سال‌ها بعد، دکتر سیاوش مطهری، که خود از شاعران مستعد دههٔ چهل و پنجاه بود در یادداشتی تأیید آمیز بر مجموعه شعر «جرعه» در بخش بررسی محدودیت‌های جرعه و عموم اشعار مجموعه‌های دههٔ چهل، نوشت: «شعرهای جرعه بیشتر عاشقانه است. البته به مقتضای سن شاعر و آنها که اجتماعی است گاهی نیز، صریح و شبیه به همان روزنگارهاست و خشن [..]. به این صورت می‌توان و باید واقدی را شاعر مسئول بدانیم، اما مسئولیت نیز نسبی است چون هر چیز دیگر…»(۴)

در مرکز بررسی اسناد تاریخی، سندی به تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۴۶ از اداره ساواک وجود دارد که به شعری از اصغر واقدی اشاره دارد که در تاریخ ۱۳۴۶/۲/۲ در شماره ۸۱۴ مجله فردوسی به چاپ رسیده است. نخست شعر را بخوانیم، سپس نظر و گزارش ساواک را ببینیم که بیانگر اختناق و کنترل شدید بر ادبیات و هنر معترض در آن بُرش تاریخی ایران است و اصغر واقدی‌ها در چه شرایطی کار فرهنگی و شعر می‌سرودند: به بخشی از شعر نگاه کنید)

در شهر ما بهار امسال پر شکوه‌تر و باشکوه‌تر از عمق این سکوت و سیاهی زره رسید

هفته نامهٔ سیاسی،



سسر، درجه ای به فرهنگ و ادب کرمانشاه، ایران وجهان

**صد چهره هنری کرمانشاه**
**قسمت هفدهم**

جلوگیری نمود.»(۵) اصغر واقدی از سال ۱۳۳۸ با مطبوعات مختلف ادبی و اجتماعی تهران از جمله مجلات و روزنامه‌های اطلاعات، جوانان، فردوسی، روشنفکر، سپید و سایه، امید ایران، سخن، آرش، تهران مصور، کیهان و… همکاری داشت و اشعار و مطالبش چاپ می‌شد. وی در سال ۱۳۵۶ در شب‌های شاعران و نویسندگان ایران که در انجمن فرهنگی ایران و آلمان برگزار شد و به عنوان یک رخداد فرهنگی از آن یاد می‌شود، شعر خواند که مورد تشویق حاضران قرار گرفت. در این ۱۰ شب تمامی شاعران مطرح ایران همچون اخوان ثالث، سیاوش کسریایی، فریدون مشیری، جعفر کوش آبادی، علی بابا چاهی، موسوی گرمارودی، م آزاد و… شعر خواندند. در این شب‌ها جمعیتی بالغ بر ۱۰ هزار نفر در این مراسم که به «شب‌های شعر گوته» معروف بود شرکت می‌کردند. به گفته بسیاری از پژوهشگران جامعه‌شناسی ایران این ۱۰ شب به گونه‌ای به عصیان و آزادی خواهی مردم ایران در سال ۱۳۵۶ دامن زد. در شب هشتم نصرت رحمانی کیومرث منشی‌زاده، فرخ تیمیمی و اصغر واقدی شعر خواندند. آثار انتشار یافته از واقدی به شرح زیر است: ۱-مجموعه شعر، در برگیرندهٔ اشعار اولیه از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۴۲. ۲-مجموعه شعر جرعه، چاپ در تهران، سال ۱۳۴۴. ۳-«واز عاشقانهٔ قدیمی» مجموعه شعر در برگیرندهٔ شعرهایی از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۱ چاپ در تهران در سال ۱۳۵۱. ۴-«تماشا و حیرت» برگزیده‌ها و غزل‌ها، انتشارات «نشر هنر» نیوجرسی آمریکا، سال انتشار ۱۳۷۴(دسامبر ۱۹۹۵). ۵-«شعر و شکوفه» مجموعه شعرهایی برای کودکان(کودکستان و سال‌های اولیه دبستان) سال انتشار ۱۳۶۵ در تهران.

اصغر واقدی طی سسال‌ها ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ در شورای نویسندگان رادیو تلویزیون ملی ایران، به ویژه در «گروه ادب امروز» که با نظارت نادر نادرپور اداره می‌شد، عضو بود و فعالیت می‌کرد. وی همچنین عضو کانون نویسندگان ایران بود و در تب و تاب انقلاب ۱۳۵۷ به سمت منشی کانون نویسندگان انتخاب شد و در این زمینه از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۰ فعالیت می‌کرد. واقدی در سال ۱۳۶۸ از وزارت آموزش و پرورش بازنشسته شد. یک سال بعد به آمریکا رفت و اکنون ۳۳ سال است که در آمریکا(دنور، کلرادو) ساکن است. این شاعر برجسته کرمانشاهی که در دههٔ چهل و پنجاه از شاعران مطرح در سطح ملی بوده است اکنون ۸۳ سال دارد. شعری از او را با هم بخوانیم: وقتی تو را که گرمی ما بودی آن دست پُر شقاوت و خون آلود دزدانه در سیاهی جنگل ربود و رفت انسان شکسته خاطر

و تنها ماند. بعد از تو در ترانهٔ دهقانان نام تو یادگار شگفتی‌هاست و بعد از تو باداه و درختان و صخره‌ها آوارهای گنگ تو را در قصه‌های شب پرواز می‌دهند، رودهای پیر و کف آلود در پای کوه‌ها و اعماق دره‌ها دیوانه وار نام بلندت را آواز می‌دهند.» کرمانشاه-۱۳۴۴

**منابع و توضیحات:**

۱)واز عاشقانهٔ قدیمی «اصغر واقدی» در برگیرندهٔ شعرهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ که شامل ۲۵ شعر آزاد و ۹ غزل می‌باشد. ۲)یادی از اصغر واقدی شاعر دیگر معاصر و معلم قدیم جعفر سید، اینترنت، آئینهٔ ادب و هنر، جعفر سید ۳)ادبیات معاصر کرمانشاه، سیدمحسن مهرابی، ناشر، گلچین ادب، کرمانشاه ۱۳۹۵ صفحه ۹۴ ۴-تاریخ تحلیلی شعر نو، شمس لنگرودی، جلد سوم، انتشارات مرکز گر، چاپ پنجم، صفحه ۲۸۶ ۵)کتاب‌های دیجیتال، مرکز بررسی اسناد تاریخی، تاریخ سسند، ۲۰ خرداد ۱۳۴۶، عطف ۰۷/۵۴۱- ۱۲/۱۲/۴۵، اینترنت منبع: کتاب مطبوعات عصر پهلوی - مجله فردوسی به روایت اسناد ساواک صفحه ۲۷۶.نویسندگان مجله فردوسی شناسایی شود. ۶)جرعه، دفتر شعر، اصغر واقدی، این کتاب در مرداد ماه ۱۳۴۴ در چاپخانه تابان در هزار جلد چاپ شد. [یک جلد از کتاب جرعه با دست خط اصغر واقدی که به یکی از دوستانش تقدیم کرده در کتابخانه نگارنده موجود است. آن دوست این کتاب را به یاس پژوهشی که من درباره واقدی انجام می‌دام، به من هدیه کرد.]



## هشدار مهدی حاتمی به کارشکنی‌های برخی از نمایندگان مجلس:

# مهندسی کردن انتخابات مجلس در ورزش ممنوع است

تمامی مردم و ورزشکاران عزیز قول خواهم داد در دفاع از آنها در برابر این افراد کوتاهی نخواهم کرد و ورزش پرمخاطب بدنسازی را از وجود این افراد پاک خواهم کرد.

رئیس هیات بدنسازی و پرورش اندام کرمانشاه در خصوص کسب مقام ورزشکاران مرد در این رشته نیز گفت: سامان الفتی نیز موفق به کسب مدال طلا و همچنین دریافت عنوان قهرمان قهرمانان شد، امین خسروی، رسول همتی، کیوان الفتی و حسن کارگر نیز موفق به کسب ۶ مدال طلا شدند.

وی افزود: در این میان مسعود بسامی علاوه بر کسب مدال طلا موفق به دریافت عنوان قهرمان قهرمانان نیز شد.

حاتمی خاطر نشان کرد: در رشته فیزیک و فیزیک کلاسیک بهترین‌های ایران و آسیا در شهر کرمانشاه حضور دارند.

رئیس هیات بدنسازی و پرورش اندام استان کرمانشاه در خصوص ورزشکاران دعوتی به تیم ملی گفت: کیوان الفتی، یزدان رحمت آبادی، ایوب بسامی، سامان الفتی، محمد امین خسروی، رسول همتی، حسن کارگر و میلاد عباس آبادی که در دسته منفی ۱۰۵ کیلوگرم و در وزن مثبت ۱۰۵ کیلوگرم قوی‌ترین مرد جهان در مسابقات مستر یونیورس شده است و می‌توان گفت در این رشته، قوی‌ترین مرد متعلق به شهر و هویت بدنسازی کرمانشاه است.

وی افزود: طی ۱۵ ماه ۶ حکم مربیگری بین‌المللی برای بانوان و ۶ حکم برای آقایان صادر شده است، ما در استان کرمانشاه جمعاً دوازده مربی بین‌المللی داریم که یک رکورد محسوب می‌شود.

رئیس هیات بدنسازی و پرورش اندام استان کرمانشاه در خصوص مسابقات فیتنس بانوان گفت: فیتنس چلنج بانوان در اواخر بهمن یا اوایل اسفندماه برگزار می‌شود.

حاتمی در پایان اظهار کرد: در بدنسازی ۱۷ مدال کسب شده است در فیتنس چلنج یک مدال ۱۷ ورزشکار به اردو تیم ملی دعوت شده‌اند که ۱۲ نفر عضو تیم ملی هستند و ۸ مدال آسیایی و ۲۲ مدال کشوری در رشته‌های بدنسازی، پاورلیفتینگ، مچ اندازی و فیتنیس چلنج کسب شده است و در ماه گذشته سجاد و حسین صفری موفق به گرفتن دفترچه بین‌المللی داوری شده‌اند که می‌توانند در مسابقات آسیایی و جهانی قضاوت کنند

اوجش بازگردانیم.

رئیس هیات بدنسازی و پرورش اندام کرمانشاه در ادامه در خصوص برنامه‌های این هیات در بحث مقابله با فروش مکمل‌های دارویی در باشگاه‌های بدنسازی هم گفت: نظارت بر باشگاه‌های بدنسازی توسط تیم‌های بازرسی متشکل از چند دستگاه همچون هیات پزشکی ورزشی، علوم پزشکی، نیروی انتظامی و... صورت می‌گیرد، با این وجود ما نیز بنا به احساس مسئولیتی که داریم، بازرسی‌هایی را از باشگاه‌های ورزشی داریم و به باشگاه‌های متخلف تذکر می‌دهیم.

حاتمی در ادامه به فشارهایی که طی چندماه اخیر به این هیات وارد شده و زمزمه‌هایی که مبنی بر ابطال انتخابات شنیده می‌شود هم واکنش نشان داد و گفت: طی ماه‌های گذشته تلاش‌های زیادی انجام دادیم تا یک هیات و تیم قدرتمند را در این رشته داشته باشیم، اما برخی افراد که با آنها همکاری نداریم، تلاش می‌کنند تا من را از راس هیات حذف کنند.

وی تاکید کرد: وابستگی چندانی به جایگاه ندارم. از گذشته که در مسابقات و میادین مختلف حضور پیدا می‌کردم و تنها به عشق مردم شهرم می‌جنگیدم. اکنون هم بخاطر آن‌ها در هیات مشغول به کار هستم و فشارها تاثیر چندانی رویم نخواهد داشت.

مهدی حاتمی در بخشی از سخنانش با گلایه و ضمن هشدار به برخی افراد سودجو و فرصت طلب که به دنبال منافع خود و ورود هیات‌های ورزشی به بازی‌های سیاسی هستند گفت: متأسفانه از ابتدای سکانداری من در هیات بدنسازی برخی نمایندگان مجلس که به دنبال سوءاستفاده از ورزش و ورزشکاران بوده‌اند با ایجاد حواشی غیر ورزشی و ناجوانمردانه نسبت به برخی هیات‌ها خصوصاً هیات بدنسازی تلاش کردند ورزش استان را به چالش بکشاند که خوشبختانه تاکنون در این راه موفق نبوده‌اند.

وی دلیل این کار را سواستفاده آنها از ورزش عنوان کرد و افزود: این افراد که همواره به دنبال سوءاستفاده از ورزش هستند می‌خواهند ضعف‌های خود در عمل نکردن به وعده‌های اقتصادی، ورزشی و اجتماعی را با عقده‌گشایی از ورزشکاران و هیات‌ها و همچنین مدیریت توانمند ورزش استان پنهان کنند که به

اندام و کسب یک مدال رشته فیتنس چلنج از دیگر افتخاراتی است که طی این مدت داشته‌ایم.

رئیس هیات بدنسازی و پرورش اندام استان کرمانشاه گفت: در این مدت ۱۷ ورزشکار کرمانشاهی در رشته‌های زیرمجموعه این هیات به اردوهای تیم ملی دعوت شده‌اند که از این میان ۱۲ نفر به عضویت تیم ملی در آمدند.

وی تصریح کرد: در حال حاضر بهترین‌های رشته‌های فیزیک و فیزیک کلاسیک در کشور و حتی در آسیا از کرمانشاه هستند، به همین منظور مقرر شده که در روز ششم بهمن مسابقات آزاد کشوری آقای فیزیک و فیزیک کلاسیک در کرمانشاه برگزار شود.

حاتمی در خصوص اقدامات انجام شده برای کسب میزبانی مسابقات بین‌المللی هم گفت: سال گذشته بنا داشتیم مسابقات بین‌المللی مستر یونیورس را که امسال قرار است در رامسر برگزار شود، در کرمانشاه برگزار کنیم و حتی به همراه مدیرکل ورزش و جوانان رایزنی‌هایی را هم با رئیس فدراسیون جهانی داشتیم که ایشان هم موافقت کرد، اما متأسفانه

با توجه به اینکه حدود سه میلیارد تومان اعتبار می‌خواست، مسئولین استانی همکاری لازم را برای برگزاری این رویداد با ما نداشتند و از طرفی زیرساخت‌های استان همچون فرودگاه هم برای برگزاری این رویداد فراهم نبود.

وی تصریح کرد: در بحث مربیان بین‌المللی هم تا چندسال پیش در بخش بانوان هیچ مربی نداشتیم و در بخش آقایان هم تنها خودم بودم، اما طی همین ۱۵ ماه گذشته ۶ مربی خانم و ۶ مربی آقای کرمانشاه توانسته‌اند مدرک مربیگری بین‌المللی را کسب کنند.

حاتمی در ادامه در خصوص وضعیت بدنسازی و پرورش اندام در شهرستان‌های استان هم گفت: علیرغم شرایط مناسبی که در شهرستان‌ها داریم، اما متأسفانه امکانات بسیاری از آنها متوسط است که مقرر شده در این زمینه به آنها کمک‌هایی را داشته باشیم.

وی افزود: در حال حاضر صحنه، قصر شیرین، گیلانغرب و کنگاور از شهرستان‌های برتر ما هستند، اما اسلام آبادغرب که روزگاری قطبی در این رشته بود، در سال‌های اخیر بنا به دلایلی همچون مشکلات مالی افت داشته که در تلاشیم آن‌ها را به روزهای

مهدی حاتمی رئیس هیات

بدنساز و پرورش اندام کرمانشاه با اشاره به عملکرد این هیات گفت: در این مدت ورزشکارانمان را در رشته‌های مختلف و در هر دو بخش بانوان و آقایان به مسابقات قهرمانی کشور اعزام کردیم که حاصل آن کسب ۲۲ مدال کشوری در رشته‌های بدنسازی و پرورش اندام، فیتنس چلنج، مچ اندازی و پاورلیفتینگ بوده است. حاتمی به عملکرد خوب بانوان کرمانشاهی در رشته مچ اندازی هم اشاره کرد و گفت: مهین رستمی یکی از بانوان قهرمان کشور در این رشته است که در مسابقات بین‌المللی مستر یونیورس رامسر هم توانست عنوان نائب قهرمانی را بدست آورد.

وی در ادامه به تحولاتی که طی دو سه سال اخیر در رشته‌های بدنسازی و پرورش اندام در بخش آقایان کرمانشاه رخ داده هم اشاره کرد و افزود: تا چندسال پیش تنها ورزشکار کرمانشاهی ملی پوش کشورمان در این رشته من بودم، اما طی این مدت تلاش کردیم تا در بخش ورزشکاران ملی پوش، داوران و مربیان بین‌المللی جایگاهمان در کشور ارتقاء پیدا کند.

حاتمی در ادامه افزود: نزدیک به دو سال گذشته یک مدال در مسابقات جهانی داشته‌ایم که توسط ایوب بسامی کسب شد و حتی عنوان قهرمان قهرمانان این مسابقات را هم بدست آورد. همچنین کسب هفت مدال مسابقات آسیایی در رشته‌های بدنسازی و پرورش



## اهدای هدایای رهبر معظم انقلاب به مدال آوران کرمانشاهی در هانگزو

در بازیه‌های آسیایی، آریین سلیمی در رشته تکواندو و در بازیه‌های پارآسیایی هانگزو هم هرمز صیدی در رشته پرتاب نیزه، یاسین خسروی در رشته پرتاب وزنه، شهلا بهروزی راد در رشته پاراکانو قایقرانی و مسعود امامی در رشته والیبال نشتسته مدال آوران کرمانشاهی در این رقابت‌ها بودند.

هرمز صیدی مدال‌ش را تقدیم مردم مظلوم فلسطین و غزه کرده است. در هنگام اهدای هدیه وی حاضرین در حمایت از مردم غزه ندای مرگ بر اسرائیل سر دادند.

آیین اهدای هدایای رهبر معظم انقلاب به قهرمانان و مدال آوران استان کرمانشاه در مسابقات آسیایی هانگزو (چین) با حضور نماینده ولی فقیه در استان و استاندار کرمانشاه در مسجد جامع مرکز استان برگزار شد. در این آیین که پیش از نماز جمعه امروز و در حضور نمازگزاران کرمانشاهی برگزار شد، هدایای ارسالی رهبر معظم انقلاب به پنج مدال آور استان در بازیه‌های آسیایی هانگزو چین اهدا شد. ۲ طلا و سه نقره حاصل تلاش ورزشکاران کرمانشاهی در رقابت‌های آسیایی هانگزو بود.

## روایت خدمت

### خدمتی دیگر از اداره کل ورزش و جوانان استان و شهرستان کرمانشاه در مناطق کمتر برخوردار از امکانات و زیرساخت‌های ورزشی

یکی از سیاست‌های اصلی اداره ورزش و جوانان استان کرمانشاه توسعه ورزش در مناطق کم‌برخوردار است و در همین راستا، اغلب مناطقی که در این سال‌ها از امکانات ورزشی محروم بوده با درایت مدیریت فعلی ورزش استان، از زیرساخت‌های ورزشی برخوردار شده‌اند.

به عنوان مثال بخش کوزران که پس از انقلاب از داشتن امکانات ورزشی محروم بوده، در سال جاری شاهد افتتاح زمین چمن مصنوعی و برگزاری انواع مسابقات مختلف است تا مردم شریف این منطقه نیز مثل سایر نقاط استان، صاحب ورزش باشند.

بر همین اساس، هفته گذشته روستای کمره گره بخش بیلوار نیز صاحب افتتاح زمین چمن مصنوعی شد تا شعار رهبر معظم انقلاب مبنی بر ایران قوی، ورزش قوی در کرمانشاه جاری و محقق شود.





## شهر دار کرمانشاه خواهان ارتباط بیشتر و دوسویه دانشگاه و مدیریت شهری شد



نادر نوروزی با حضور در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه با افشین غنی زاده رئیس، معاونان و کارکنان واحد کرمانشاه دیدار و گفت و گو کرد. شهر دار کرمانشاه در این دیدار با تأکید بر ارتباط بیشتر و دوسویه دانشگاه و مدیریت شهری گفت: به طور حتم هر چه ارتباط مجموعه علمی و دانشگاهی با مدیریت شهری بیشتر باشد توسعه و آبادانی برای شهر کرمانشاه دنبال خواهد داشت و برای تعمیق این ارتباط شهرداری کرمانشاه از هیچ تلاشی دریغ نخواهد نکرد. وی افزود: دانشگاه آزاد اسلامی از ظرفیت و پتانسیل های خوبی برخوردار است که با استفاده از آن در مدیریت شهری می توان آینده درخشانی را برای هر دو مجموعه دانشگاه و

## اهتمام شهرداری کرمانشاه برای کمک به توسعه شهر در زمینه تکنولوژی



در دیدار استاندار کرمانشاه با وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات مهمترین پروژه های حوزه ارتباطات و کسب و کارهای استان بررسی شد و عیسی زارع پور از تکمیل طرح فیبر نوری کل شهر کرمانشاه تا نیمه شعبان خبر داد و گفت که در هفته دولت سال آینده نیز جشن تحت پوشش قرار گرفتن کل استان برگزار شود. در این جلسه شهردار کرمانشاه، مدیرکل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان، مدیرکل حوزه استاندار کرمانشاه و جمعی از مدیران

## سایت تخلیه نخاله ساختمانی کرمانشاه پس از ۲۰ سال افتتاح شد



مالکینی که قصد احداث، تخریب و نوسازی ملک خود را دارند، در زمان اخذ موظف هستند با یکی از این شرکت ها عقد قرارداد داشته باشند و زمانی که تخریب صورت گرفت، رسیده های مربوط به تحویل نخاله ها را به حوزه معاونت شهرسازی تحویل دهند تا پروانه به آن ها تعلق بگیرد. وی عنوان کرد: با پیگیری هایی که انجام شده است، در مرحله اول یک سایت معرفی شده که مورد تأیید محیط زیست و سایر دستگاه های مربوطه بوده است.

### تلاش برای اخذ مجوز به منظور احداث چند سایت نخاله ساختمانی

محمد موحدی مجد مدیر هماهنگی و نظارت بر خدمات شهری شهرداری کرمانشاه، اظهار کرد: این سایت با همکاری بین سه معاونت شهرداری، معاونت خدمات شهری، معاونت شهرسازی و معاونت حمل و نقل ترافیک افتتاح شده است.

وی افزود: مجوز سایت پردازش ما در روستای «عمه» شرکت باز یافت تمدید شده است و در حال پیگیری چند سایت دیگر هم هستیم که مجوز آن ها را اخذ کنیم.

مدیر هماهنگی و نظارت بر خدمات شهری شهرداری کرمانشاه تصریح کرد: این فرآیند فعلاً به صورت سنتی و دستی شروع به کار می کند و اعلام هایی که باید برای تخلیه گرفته شود، از حوزه پسماند و سازمان حمل بار است و در نهایت منجر به تخلیه نخاله ها در این سایت می شود. وی عنوان کرد: پایش و نظارتی که بر این موضوع داریم بر اساس سامانه هوشمندی است که از طریق سازمان فاوا شهرداری کرمانشاه تهیه می کنیم و این سازمان، سازمان هوشمندی است که از طریق اپلیکیشن اقدام می کند تا مراجعه شهروندان به سازمان کمتر شود.

موحدی مجد خاطر نشان کرد: ۱۰ هکتار زمین برای احداث این پروژه اختصاص داده شده است.

سایت تخلیه نخاله ساختمانی شهر کرمانشاه با حضور مدیران شهری افتتاح شد. برومند نامداری در مراسم افتتاحیه سایت نگهداری نخاله های ساختمانی شهر کرمانشاه که در جاده سراب نیلوفر برگزار شد، اظهار کرد: پس از ۲۰ سال پیگیری مستمر شهرداری کرمانشاه و نهایتاً با همکاری فرمانداری و برگزاری جلسات متعدد ایجاد سایت تخلیه نخاله ساختمانی مصوب شده است. وی افزود: این سایت نخستین سایت تخلیه نخاله است که امروز افتتاح شد و اپلیکیشن آن توسط معاونت شهرسازی شهرداری کرمانشاه طراحی شده است.

معاون خدمات شهری شهرداری کرمانشاه اضافه کرد: هر مالکی که بخواهد ساخت و ساز کند، بر اساس فرآیند طراحی شده نخاله ساختمانی را موظف است در این سایت تخلیه کند و تأییدیه مبنی بر تخلیه نخاله ساختمانی خود را دریافت و در نهایت بر اساس همین تأییدیه پروانه ساختمان و دیگر مجوزات به آن ها تعلق می گیرد.

### جمع آوری نخاله های ساختمانی کمکی به زیباسازی شهر

بهزاد مسعودی اصل معاون شهرسازی و معماری شهرداری کرمانشاه اظهار کرد: از چالش هایی که در همه کلان شهرها وجود دارد و در شهر کرمانشاه هم قابل مشاهده است، تخلیه نخاله های ساختمانی در معابر و اطراف شهر است که زیبایی شهر را تحت تأثیر قرار می دهد.

وی افزود: در راستای حفظ زیبایی شهر و ساماندهی موضوع تخلیه نخاله ساختمانی با معاونت خدمات شهری برنامه ریزی انجام شد و در مرحله نخست بخشی از شرکت ها را سازمان پسماند پالایش کرد تا چند شرکت مجری این طرح شوند.

معاون شهرسازی و معماری شهرداری کرمانشاه تصریح کرد:

### رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرمانشاه خبر داد:

## کاشت ۲ هزار اصله نهال بومی زاگرس در شهر کرمانشاه



چاله کنی جهت کاشت نهال های مذکور شده است. غلامی گفت: در مرحله اول و به عنوان آغاز طرح، تعداد ۲ هزار نهال در مکان های هدف کاشته خواهد شد، مزیت بزرگی که این درختان دارند این است که خودرو هستند و نیاز چندانی به آبیاری انسانی ندارند، به این معنی که چنانچه بذر یا نهال آنها در طبیعت کاشته شود تنها در سال های اول نیاز به آبیاری مختصری دارند و بعد از آن نیاز خود را از بارندگی های سالانه تأمین می کنند.

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری در پایان با تأکید بر حفظ و گسترش فضای سبز شهری گفت: این درختان در فرآیند چند میلیون ساله تکامل ویژگی های بقا در طبیعت خشن را به دست آورده اند و در مقابل آفت ها و بیماری ها مقاومت بالایی از خود نشان می دهند.

به گزارش مرکز اطلاع رسانی شهرداری کرمانشاه کامجو غلامی، اظهار کرد: با توجه به شرایط آب و هوایی اقلیم زاگرس و اهمیت جایگزینی درختان مقاوم به کم آبی به جای درختان پرنیاز آبی، کاشت درختان بومی زاگرس در دستور کار این سازمان قرار گرفت. وی افزود: طی جلسات متعدد با سازمان های مردم نهاد دوستدار محیط زیست اقدام به برنامه ریزی برای کاشت نهال های بومی زاگرس مانند بلوط، داغداغان، بادام کوهی، پسته کوهی و ارغوان در سطح شهر کرمانشاه کرده ایم.

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهرداری کرمانشاه تصریح کرد: در محل پروژه پارک جنگلی سراب قنبر، قسمت جنگلی پارک غربی، قسمت جنگلی پارک شرقی و باغ گل اقدام به